

جریان‌شناسی سیره پژوهی در غرب؛

با تأکید بر مطالعات در باب اعتبار و وثاقت حدیث در سنت اسلامی^۱

محمدحسین رفیعی^۲

چکیده: تاریخ تلاش‌های غربیان برای شناخت اسلام و سیره پیامبر(ص) به سده نهم میلادی باز می‌گردد. اما پژوهش‌های جدی آن‌ها که در بستره مطالعات آکادمیک و علمی صورت گرفت، از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی آغاز شد. از همان ابتدا دو رویکرد معارض در مقابل هم شکل گرفته و تا زمان حاضر نیز ادامه پیدا کرده است: ۱. رویکرد افراطی مستشرقانی که با سردمداری لامنس و کاپتانی، به کلی نافی ارزشمندی میراث تاریخی و حدیثی اسلامی در بررسی تاریخ قرآن، سیره و صدر اسلام بوده‌اند و ۲. رویکرد معتدلانه افرادی چون نولدکه و بکر که در کنار اذعان به وجود هسته حقیقی و تاریخی موجود در این روایات، هم خود را بر زدودن حواشی غیر قابل اعتنا از این منابع مصروف داشتند. این دو جریان با حضور اسلام‌پژوهان سرشناسی چون گلدتسیهر، شاخ و مونتگمری وات به دهه‌های پایانی سده بیستم رسید. در این دوره مکتب سیره پژوهی «شکاکیت افراطی» توسط آراء و تئزبرو بسط یافت و در آستانه سده بیست و یک میلادی، پژوهش مشترک کروون و کوک آن‌را به اوج خود رساند. در سوهیه مقابل افرادی همچون وات، سرخت و قسطنطین به دنبال شناخت سازو کاری معتدل و علمی برای تمیز هسته اصلی و تاریخی روایات سیره نبوی بودند. هر یک از این پژوهشگران، تحلیل خاصی از روند تحریف، تلخیص یا تبدیل روایات سیره نبوی را مطرح کردند و ساز و کار مختص به خود را در باب تمیز مجعولات از حقایق تاریخی ارائه کردند. اگرچه دستاوردهای باستان‌شناسی جدید، -نظیر یافته‌های صحرای نگب در جنوب فلسطین- بسیاری از مدعیات شکاکان افراطی را باطل کرده، اما هم‌اکنون نیز مطالعات سیره پژوهی در غرب را می‌توان به دو گروه عمده سنت‌گرایان خوش‌بین به سیره نبوی و شکاکان قائل به عدم وجود هسته تاریخی برای روایات سیره نبوی تقسیم کرد. هدف این مقاله، علاوه بر ارائه گزارشی دقیق و جامع از روند شکل‌گیری و تثبیت آراء این دو مکتب پژوهشی معارض، ارائه تحلیل و داوری علمی نسبت به مواضع و روش‌شناسی این دو مکتب است.

واژه‌های کلیدی: سیره نبوی، مستشرقان، سیره پژوهی در غرب، شکاکیت افراطی

۱ پیش‌نویسی از این مقاله، در نخستین همایش «سیره پژوهی و سیره پژوهان» که به همت پژوهشکده تاریخ اسلام، در اردیبهشت ۱۳۹۲ برگزار شده بود، ارائه گشت. نگارنده لازم می‌داند که از حجة الاسلام و المسلمین سیدهادی خامنه‌ای، دکتر احمدرضا خضری و دیگر برپاکندگان این همایش، و نیز دکتر سیدمحمد طاهری، سید یاسر میردامادی و خانم رامک رامیار که با نظرات ارزشمند خود بر آن پیش‌نویس، به بهبود مقاله کمک کردند، صمیمانه قدردانی نماید.

۲ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه مذاهب اسلامی تهران rafieemh@gmail.com

تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۱، تاریخ تأیید: اردیبهشت ۱۳۹۲

***Sīra* studies in the West: Authenticity and reliability of Hadīth**

Muhammad Hosein Rafiee¹

Abstract: Back to 9th century, western efforts on knowing Islam and the *Sīra* of Prophet have been started. But, actual researches on this context occurred in the last half of 19th century. As a diversion which appeared since the very beginning, two approaches represented. (1) Extremist view based on ignoring historical value of *Hadīth* in search of history of the *Qūran*, *Sīra* and the early period of Islamic history, which was led by Lammens and Caetani. (2) Moderate view of Nöldke and Becker which were dedicated on purifying the “historical Kernel” of *Hadīth*. With efforts of well known scholars such as Goldziher, Schacht and Montgomery Watt, those vis-à-vis approaches came to the 21th century. In that time, extreme skepticism emerge by Wansbrough and is widespread on basis of Crone and Cook’s works. On the other side, scholars like Watt, Serjeant and Kister devote their efforts on inventing some new methods in search for the “historical kernel” of *Hadīth* and *Sīra*. Although archeological findings of Negev desert disprove many skeptical views about reliability of *Hadīth*, there is still an overt dissension between ‘Sanguine’ or traditionalist and ‘Revisionist’ or sceptics. Thus, this study focuses on presenting an accurate story of formation and conformation of those two different approaches and also analyzes their methods and positions about authenticity and reliability of *Hadīth* in *Sīra* studies.

Keywords: *Sīra*, western scholars, *Sīra* studies in the west, Scepticism

1 P.h.D Student in Islamic Studies, Maḍhahīb University Rafieemh@gmail.com

مقدمه

مطالعات در باب سیره پیامبر(ص)، از دیرباز در متن پژوهش‌های اسلام‌شناسی محققان غربی قرار داشته‌است. در طول سده‌های وسطی و اندکی پس از آن مسیحیانی تندخو، به ارائه تصویری از پیامبر پرداختند که سراپا در تضاد با واقعیت قرار داشت. تأثیر تعصبات دینی مسیحیان، تا سده اخیر و شکل‌گیری مکاتب علمی اسلام‌پژوهی در غرب نیز ادامه یافت. اما با مواجهه مستقیم محققان غربی و مستشرقان با جامعه اسلامی، فاصله عمیق رویکرد متعصبانه مسیحیان با واقعیت جهان اسلام آشکار شد. اگرچه سیاست‌های خاص استعماری کشورهای غربی، زمینه‌ساز حضور پررنگ مستشرقان در بلاد اسلامی و آشنایی مستقیم آن‌ها با جهان اسلام شد، پس از تغییر این سیاست‌ها و ورود جهان به دوره پسااستعماری، محققان غربی از تلاش برای شناخت عمیق‌تر تاریخ و هویت اسلام بازماندند. شکل‌گیری مراکز متعدد اسلام‌پژوهی در غرب که مدتهاست با پشتیبانی‌های مالی مناسب به شناخت تمدن و میراث اسلامی پرداخته‌اند، گواه خوبی بر این مدعاست. وجود پیامبر(ص) و سیره ایشان نیز در این میان، به‌عنوان جبهه اصلی این پژوهش‌ها محسوب می‌شود. گرچه در این مطالعات، مواضع، رویکردها و روش‌های متعددی در سیره پژوهی به کار گرفته‌شد، اما سؤال در باب میزان اعتبار و وثاقت متون اسلامی در شناخت اسلام، تاکنون اصلی‌ترین محل اختلاف آراء میان این محققان بوده‌است. یکی از سؤالات اصلی محققان غربی از دیرباز تا هم‌اکنون این بوده است که تا چه حدی می‌توان به خود منابع اسلامی در مسیر شناخت تاریخ اسلام و یا احادیث سیره نبوی معتقد بود؟ و تا چه میزان این احادیث و روایات، منعکس‌کننده حقایق واقعی رخ داده در تاریخ اسلام هستند؟^۱

این مقاله برآن است تا ضمن مروری بر مطالعات نوین اسلام‌شناسان غربی در باب سیره نبوی که بر مبنای رویکردهای متعدد و روش‌های گوناگون آن‌ها تدوین شده است، پرتویی جدید به سیر تطور فکری سیره پژوهان غربی بیفکند و در ادامه با تبیین دقیق آراء مختلف ایشان، زمینه مناسب برای شناخت و نقد آنرا فراهم آورد.

۱. مکاتب عمده خاورشناسان در مطالعات سیره نبوی

مطالعات غربیان که تحت تأثیر نوع مواجهه آن‌ها با مشکلات منابع اسلامی و غیر آن متغیر است

1 Harald Motzki, "The Question of the Authenticity of Muslim Traditions Reconsidered: A Review Article" in *Method and Theory in the study of Islamic Origins*, pp.211-257.

را می‌توان به چهار رویکرد عمده تقسیم کرد. البته باید در نظر داشت که هریک از این رویکردها بر مبنای فرضیات تاریخی متفاوتی بنیان نهاده شده و به میزان اندکی به ترتیب ظهور و زوال تاریخی ارائه شده‌اند. به‌دیگر سخن، اگرچه هریک از این مکاتب با ظهور خود، باعث زوال و کم‌فروغ شدن مکاتب پیشین شده‌اند، اما در پاره‌ای اوقات، حضور همزمان چند مکتب در کنار هم و تداخل دستاوردهای علمی مورخان و پژوهشگران آن‌ها شاهد بوده‌ایم.

۱.۱. **رویکرد توصیفی:**^۱ در این رویکرد که به لحاظ تاریخی، قدیمی‌ترین مکتب مطالعه تاریخ اسلام در غرب محسوب می‌شود، محققان با اعتماد به منابع اسلامی به تحقیق پرداخته‌اند. باید در نظر داشت که این رویکرد در مقایسه با مطالعات جهت‌دار و کلامی مسیحیان قرون وسطی در باب اسلام،^۲ بسیار روشمند و مورد قبول محسوب می‌شد. سه پیش‌فرض اصلی، مبنای نظر پژوهشگران این مکتب بود: ۱. متن قرآن به‌عنوان منبعی موثق برای تاریخ حیات و سیره پیامبر(ص) از وثاقت و ارزش بسیار بالایی برخوردار است. ۲. گزارش‌های موجود در منابع تاریخی صدر اسلام حاوی اطلاعات مفیدی در باب «آنچه در واقع رخ داده» هستند. ۳. احادیث قهقی-کلامی نیز به دلیل ارائه جلوه‌ای بدیع از تاریخ، حاوی اطلاعات مفید تاریخی هستند. این رویکرد برای اولین بار در تاریخ «ظهور و سقوط امپراطوری روم»، اثر ادوارد گیبون^۳ اتخاذ شد. او در فصولی از کتابش برای توضیح تاریخ اسلام، از منابع متأخر تاریخی اسلام همچون تاریخ *ابوالفداء* (م. ۱۳۳۱/۷۳۲) بهره برد. پس از او، مورخان متعددی در سده‌های اخیر با رویکرد پذیرش ارزشمندی و اعتبار متون اسلامی، به تحلیل و روایت تاریخ اسلام پرداخته‌اند.^۴

۲.۱. **رویکرد نقادانه به منابع:**^۵ از میانه سده نوزدهم میلادی علاقه به دستیابی به منابع متقدم و اصیل، محققان اروپایی را به‌سوی تصحیح و بازشناسی این متون از میان گنجینه‌های نسخ خطی سوق داد. مطالعه انتقادی این منابع (همچون *سیره ابن اسحق*، *سیره ابن هشام*، فتوح البلدان بلاذری، *طبقات ابن سعد* و *تاریخ طبری*) باعث ترویج پدیده شک نسبت به بدنه متون متقدم اسلامی شد.

1 Descriptive Approach.

۲ برای اطلاع کاملی از نوشته‌های مسیحیان قرون وسطی در باب اسلام بنگرید به:

Norman Daniel (1996), "Islam and West and Sothern, Western views of Islam in Middle ages", in *Medieval Christian perceptions of Islam: A book of Essays*, John Victor Tolan (ed), New York, Gareland.

3 Edward Gibbon.

۴ برای نمونه‌ای از آثار نگاشته شده با این رویکرد که برخی نیز به زبان فارسی ترجمه شده است بنگرید به:

Claude Cahen, *Der Islam, I: Vom Ursprung bis zu den Anfängen des Osmanreiches* (1968), G.E. von Grunebaum, *Classical Islam, M.A. Sha'ban, Islamic Hisotry 600-750AD: A new Interpretation*; Hugh Kennedy, *Muhammad and the Age of Caliphates*; Ira Lapidus, *A history of Islamic Societies*; Albert Hourani, *A History of the Arab peoples*.

5 Source-Critical Approach.

سؤالات بسیار این محققان در باب پیچیدگی، تضاد مطالب و تمایلات فرقه‌ای-سیاسی نویسندگان برخی از این متون، منجر به شکل‌گیری رویکرد دوم، یعنی ایراد شک نسبت به صحت اطلاعات متون اولیه اسلامی شد. رسالت اصلی این رویکرد که در پی ورود اندیشه‌های اثبات‌گرایانه به تاریخ، تحرک بیشتری یافته بود، تلاش برای درک این اصل بود که در میان روایات موازی و بعضاً معارض در متون اسلامی، کدامیک و به چه دلیل شایان پذیرش و تأیید است؟ بر این مبنا، این رویکرد به ارائه پاسخ بر مبنای دو فرض اساسی می‌پرداخت:

۱. اگرچه اطلاعات منابع و متون اسلامی، از ارزشمندی بالایی در شناخت تاریخ اسلام برخوردارند، اما از همان ابتدا، به سه طریق عمده در آن‌ها غث و سمین با یکدیگر ممزوج شده‌اند: الف. نقل نادرست. ناقل از منبع اصلی؛ ب. ترکیب مطالب افسانه‌ای برای بالابردن جذابیت مطالب در نقل آن‌ها؛ ج. ورود گرایش‌های کلامی-سیاسی در سده‌های متأخر.

۲. متون غیراسلامی - سریانی و یونانی - منابع ارزشمند برای مطالعه تطبیقی درباب تاریخ اسلام هستند و در صورت وجود شواهد مکفی، می‌توان از آن‌ها برای کشف صحت و واقعیت روایات اسلامی بهره برد. برای نمونه، دخویه هلندی در تحقیقش که بر پایه یافته‌های نوین از فتوح البلدان بلاذری بنا شده بود،^۱ در یک سوی از نگاه عمیقش به آثار ابن‌اسحق و واقدی بهره برد و در سوی دیگر به متون یونانی-سریانی درباب فتح شام توجه ویژه‌ای کرد. پس از دخویه،^۲ مطالعه و لهاوزن درباب وثاقت روایات سیف‌بن‌عمر در تاریخ طبری،^۳ به تعیین مکاتب متعدد در تاریخ‌نگاری صدر اسلام - مدینه، کوفه، بصره، شام و خراسان - منجر شد که هم‌اکنون نیز در میان پژوهشگران پذیرفته شده و مورد استفاده است. اما ناتوانی محققان این رویکرد در ارائه پاسخی نهایی و قاطع در تشخیص احادیث صحیح و موثق و ورود گرایش‌های بدین به اسلام به عرصه تحقیق که در پژوهش حجیم لئون کاپتانی به اوج خود رسید،^۴ منجر به پدیدار شدن رویکرد سوم در مطالعات تاریخی اسلام شد.

1 M.J. De Goeje(1864), *Mémoire sur la Conquête la Syria*, Leiden: Brill..

2 Michael Jan de Goeje.

3 Julius Wellhausen(1902), *Prolegomena zur ältesten Geschichte des Islams*, 1899; *idem*, *Das arabische Reich und sein Sturz*.

4 Leon Caetani, *Annali dell' Islam*, pp.1905-1925 .

او در این اثر، تمام اطلاعات موجود نسبت به وقایع چهل ساله اول تاریخ اسلام را جمع‌آوری کرد. او در این راستا بیش از آنکه به رهیافتی برای تشخیص صحیح از سقیم در این روایات ارائه کند، به تأکید بر ناهمسانی و تعارضات در میان آن‌ها پرداخت. از این منظر، گروهی از محققان او را در قالب محققان شکاک نسبت به تاریخ اسلام قرار داده‌اند.(نک به ادامه مقاله)

۳.۱. رویکرد نقادانه به حدیث: این رویکرد در پی انتشار اثر جنجال برانگیز ایگناس گلدتسیهر در باب اهمیت احادیث در اعتبار متون اسلامی گسترش قابل توجهی یافت.^۱ او در این اثر مدعی شد که احادیث مرتبط با سیره نبوی بیش از آن که در باب تاریخ صدر اسلام معتبر باشند، نشانگر تأثیرات کلامی، سیاسی و فقهی ناقلان سده‌های متأخر اسلامی هستند. بدین ترتیب اگرچه صحت احادیث سیره، نقض نشد، اما اعتبار آن‌ها تا حد بسیار زیادی مورد سؤال قرار گرفت.^۲ پیروان گلدتسیهر در پی انتشار آثار متعددی که در باب چگونگی استفاده از احادیث و سنت اسلامی بحث می‌کرد، بر این امر اتفاق نظر یافتند که گرچه احادیثی که به صورت نهایی در مجامع حدیثی مرجع جمع‌آوری شده، پس از گذراندن یک دوره طولانی از تحریف و اعمال گرایش‌های سیاسی، کلامی و فقهی ناقلان به دست ما رسیده‌اند، اما می‌توان به وجود هسته‌ای از حقایق تاریخی^۳ در آن‌ها معتقد بود که از طریق بررسی دقیق و عمیق احادیث قابل دستیابی می‌باشد. این رویکرد توسط محققان برجسته‌ای چون قسطنطین، سلیمان، ویدنگرن، برکلند و به‌ویژه آلبرشت نوث گسترش یافت.^۴ سؤال اصلی در این راستا این بود که با توجه به این پیش‌فرض که امکان تحریف و دست بردن در احادیث در نقل شفاهی، بیشتر از نقل مکتوب است، دقیقاً تا چه زمانی احادیث شفاهاً نقل می‌شده و آیا پس از آن تاریخ، به کلی از طریق کتابت نقل شده‌اند؟ پاسخ فؤاد سزگین و نیبه عبود - برمنای پژوهش‌هایشان در باب پاپیروس‌های اسلامی^۵ - پایان سده اول هجری بود. شولر و موتسکی با تحقیق بر احادیث متقدم مکی بیان کردند که هیچ پاسخ دقیقی برای تعیین تاریخ تبدیل نقل شفاهی به مکتوب وجود

1 Tradition-Critical Approach.

2 Ignaz Goldziher, Muslim Studies, II, pp.15-247.

این کتاب، توسط مرحوم علینقی منزوی، تحت عنوان درسهایی در باب اسلام به فارسی منتشر شده است.
 ۳ باید در نظر داشت که نقد گلدتسیهر در مقایسه با شکاکان بعدی، تنها به اعتبار و وثاقت احادیث مرتبط با سیره نبوی در باب اثرات بعدی آن‌ها در فقه اسلامی متمرکز بود و هیچگاه از توجه و اتکا به منابع سنت اسلامی سرباز نزد. چنان‌که در باب تاریخ طبری و دیگر تواریخ عهد عباسی، به اعتبار کامل مطالب تاریخی که معاصر یا نزدیک به دوره حیات این مورخین بوده‌اند، اذعان کرده است. بنگرید به:

Ignaz Goldziher, "Historiography in Arabic Literature" in *Gesammelte Schriften*, III, p.391.

در باب تناقض‌های ظاهری و روشی گلدتسیهر بنگرید به: هارالد موتسکی، «حدیث پژوهی در غرب؛ مقدمه‌ای بر خاستگاه و

سیر تطور حدیث»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، س ۱۰، ش ۴ و ۳، ص ۸.

4 Kernel of Historical Facts.

5 Widengren, Muhammad the Apostle of God, and his Ascension, 1955; *idem*, "Oral Tradition and written literature among Hebrews in the light of Arabic Evidence, 1959; Harris Birkeland (1956), The lord Guideth: Studies on primitive Islam.

6 Nabia Abbott (1957-1972), *Studies in Arabic literary Papyri*, I-III, Chicago.

ندارد و از همان ابتدا، ناقلانی چون عرو بن زبیر و ابان بن عثمان از هر دو روش نقل کتبی و شفاهی استفاده می‌کرده‌اند. همه محققان قائل به این حدس عالمانه که به نوعی متأثر از تفکیک خاص ولهاوزن نسبت به مکاتب تاریخ‌نگاری صدر اسلام بودند، به وجود هسته حقیقی در تاریخ اسلام معتقد بودند. اما تفاوت بسیار در روش‌ها، مانع از دستیابی به تعریفی مشترک از آن هسته شده‌بود. در مقایسه با دیگر محققان این رویکرد، قسطنطین و شاگردانش در فلسطین اشغالی، به تحقیق موردی و عمیق در باب روایات مرتبط با سیره پرداختند. ناتوانی این محققان در اجماع در باب مسائل فوق، زمینه رویکردی افراطی در شک به کلیت احادیث و متون صدر اسلام را فراهم کرد که به رویکرد شک‌گرایی^۱ مشهور شد. دغدغه اصلی شکاکان، نه در باب کشف هسته تاریخی متون و نه حول یافتن ابزاری برای زدودن حواشی و زوائد متأخر به احادیث بود؛ بلکه به‌طور کل، وثاقت و اعتبار حدیث و تاریخ سیره نبوی هدف شک و نفی قرار گرفت. سؤال مبنایی آن‌ها این بود که اگر تمام محققان - متأثر از افکار گلدتسیهر - به روند جعل و تحریف محدثان متأخر بر اصل احادیث اصیل معترفند، چطور می‌توان اطمینان داشت که تمام این احادیث و روایات تاریخی، بر ساخته افکار و گرایش‌های کلامی - سیاسی محدثان متأخر نیست و آنچه ما امروز از تاریخ صدر اسلام در ذهن داریم، همان تصویری باشد که این محدثان متأخر می‌پسندیده‌اند؟

۴.۱. رویکرد شکاکانه به حدیث: چنان‌که دیدیم پس از گذشت یک سده از آغاز مطالعات روشمند غربیان، هنوز پاسخ مورد وفاقی به سازوکار اعتبارسنجی احادیث و متون اسلامی به‌دست نیامده بود و در این بین پاسخ شکاکان به نوعی پاک کردن صورت مسئله محسوب می‌شد. جان ونزبرو استاد دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه لندن، در مطالعات خود^۲ با ارائه طرحی برای کشف اصالت فضای قرآن و سیره نبوی که برای اجتناب از تأثیر تحریفات و اضافات بعدی، به روش تحلیل ادبی احادیث صدر اسلام منحصر شده‌بود، به کلی صحت و اصالت قرآن و احادیث را انکار کرد.^۳ پاسخ او به سؤال همیشگی پژوهشگران در باب کشف هسته حقیقی روایات تاریخی و

1 Skeptical Approach.

2 John Wansbrough(1977), *Quranic Studies: Sources and Methods of scriptural Interpretation*, Oxford; *idem*, *Sectarian Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History*, Oxford, p.1978.

۳ برای نقد روش ونزبرو در باب اسناد احادیث بنگرید به: محمدعلی مهدوی راد و نصرت نیل ساز(۱۳۸۵)، «تاریخ‌گذاری تفسیر منسوب به ابن عباس» در *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*؛ همان (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، نصرت نیل‌ساز و الهام زرین‌کلاه، «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره گونه‌شناسی و سیر تاریخی تطور تفاسیر کهن با تکیه بر تفسیر مجاهد»، در *مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث*، سال ۴۵، ش ۱، صص ۱۸۹-۲۱۰.

سازوکار پالایش آن‌ها از افزوده‌های محدثان سده‌های بعدی، بسیار روشن بود. او معتقد بود که بیش از آن‌که بحث در باب وجود یا عدم وجود این هسته تاریخی موضوعیت داشته باشد، باید اذعان کرد که تمیز این مجموعه حقیقی از حشویات و اضافات بعدی غیرممکن است و تمام بینش و نحوه مواجهه ما با این متون، از اساس، متأثر از عقاید کلامی متأخری است که این متون را تشکیل داده‌اند. دغدغه اصلی ونزبرو، یافتن سازوکاری بیرونی برای کشف عمق روایات تاریخ اسلام بود.^۱ همین تحلیل، زمینه‌ساز نگارش اثر دومش «محیط فرقه‌ای» شد که در آن به تکامل و تحول اسلام در قالب بررسی فرق متعدد مذهبی و عقاید کلامی سده‌های میانه پرداخته بود. روش او که در حقیقت، اعمال یافته‌های جدید مطالعات انجیلی بر قرآن بود،^۲ در توجه به متون تفسیری تبلور یافته بود و او این متون را از جنبه‌های وثاقت، هویت و معرفت‌شناسی تحلیل کرده بود. ونزبرو تاریخ اسلام را مجموعه‌ای کهن از مفاهیم یهودی-مسیحی می‌دانست که دین عربی خاصی را نظام داده و در عربستان آغاز سده هفتم میلادی قوام بخشیده است. نظر اصلی مطرح شده در آثارش آن است که یکپارچگی اسلامی در واقع پس از سده سوم هجری/نهم میلادی به صورتی منسجم و یکپارچه متبلور شده و پیش از آن تنها فضایی فرقه‌ای از مجادلات عقیدتی در میان گروه‌های مختلف جامعه حاکم بود. او مدعی بود تمام هویت فضای فرقه‌ای به شدت متأثر از سنت یهودی موجود در شبه جزیره عربی بوده که بیش از آن‌که به بیان «آنچه در حقیقت رخ داده» شبیه باشد، می‌توان آن را «تاریخ رستگاری»^۳ دانست.^۴

۱ اندرو ربین (۱۳۹۱)، «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش شناسی جان ونزبرو»، ترجمه مرتضی کریمی نیا، در زبان قرآن، تفسیر قرآن، تهران: انتشارات هرمس، ص ۱۹۲.

۲ Uri Rubin (1995), The eye of Beholder, Darwin press, p.3.

۳ Salvation History.

۴ تاریخ رستگاری در اسلام که رونوشتی از نسخه‌های مشابه آن در مسیحیت و یهودیت است، به این معناست که آنچه قرآن و تفاسیر و احادیث نبوی و متون کلامی بر آن گواهی می‌دهند، بیان این مطلب است که خداوند چگونه سلسله حوادثی دنیوی و زمینی را حول محور زمان و مکان پیامبر هدایت کرده تا زمینه نجات و رستگاری بشر را از طریق آن‌ها فراهم آورد. این متون تنها یک هدف دارند و آن نشان دادن حضور و نقش اراده الهی در تاریخ بشریت. به عبارت دیگر مجموعه اطلاعات و معارفی که از این متون برمی‌آید، نه تنها عین واقعیت و حقیقت نیست، بلکه بر ساخته و زائیده افکار علمای قرون متاخر بر مبنای آنچه آن‌ها حقیقت می‌انگاشته‌اند بوده است. بدین ترتیب با تبیین پدیده «تاریخ رستگاری» افرادی در فاصله‌های زمانی بسیار زیاد با زمان وقوع حوادث، به خلق روایات و متونی پرداخته‌اند که تمایلات یا مصالح سیاسی، کلامی و فقهی زمان خود را توجیه کنند. در این راستا نام‌گذاری این پدیده به «تاریخ رستگاری»، از آن‌روست که به زعم ونزبرو- این چارچوبه حدیثی- تاریخی به نحوی تعبیه شده تا اسلام را با تأکید بر متن قرآن و حدیث راه رهایی و رستگاری بشر تصویر کند و با تأکید بر پیوند لاینفک سیره پیامبر، قرآن و احادیث، به تبیین اراده خداوند در رستگاری بشر بپردازد.

کار ونزبرو در حقیقت آن بود که پای شکاکیت جدید در عرصه تورات و انجیل پژوهی را به مطالعات قرآنی بگشاید و آن را جانشین اثبات‌گرایی^۱ کند.^۲ او در مسیر انتقاد از رویکردهای اثبات‌گرا که در پی کشف معانی اصیل، به عمق متون نفوذ می‌کردند، به دنبال اعمال رویکردی فرامتنی بود. ونزبرو در این مسیر، با ارائه مثال‌هایی در کشف موارد مشابه در قرآن و تلمود^۳ و با تأکید بر چهار مفهوم مشترک متون آسمانی، کیفر و پاداش الهی، آیت و نشانه الهی، آوارگی و هجرت الهی و عهد و میثاق الهی، به دنبال اثبات این حقیقت بود که با توجه به سبک ارجاعی قرآن در بیان قصص و روایات، این متن برآمده از منازعات فرقه‌ای-کلامی یهودیان و مسیحیان در دوره‌های بعدی است.^۴ بر این اساس ونزبرو در تجزیه و تحلیل خود راجع به کتاب آسمانی مسلمانان، روش‌های متعددی (مانند تحلیل صورت، و تحلیل قالب شفاهی) را به کار گرفت که پیش‌تر در حوزه‌های خارج از اسلام به ویژه در باب تورات و انجیل- مطرح و پیاده شده بود. اساس نظریه ساختاری و زبان‌شناختی ونزبرو را می‌توان بر چهار فرضیه اساسی استوار دانست:

۱. هیچ دلیلی در دست نداریم که واقعیت تاریخی هرگونه منبع مکتوب اسلامی- از جمله قرآن- را پیش از ابتدای سده سوم هجری/نهم میلادی بپذیریم.^۲ نتیجتاً، هیچ یک از این منابع را نمی‌توان به مثابه مبنایی در شناخت خاستگاه و تاریخ صدر اسلام به کار گرفت.^۳ در عوض این منابع بیانگر اقتباس و انعکاس مبادی حجازی بر یک سنت‌اند که در واقع، خارج از شبه جزیره عربستان، و عمدتاً در عراق تفریق یافته‌اند و^۴. کلید این استنباط، آن است که اهمیت تأثیر یهودیت را بر رشد تکوینی و درازمدت سنت اسلامی و منابع مورد وثوق آن درک کنیم.^۵

1 Positivism.

۲ اندرو ریپین، «تحلیل ادبی قرآن...»، ص ۲۰۲. گروهی از محققان امروزه بر این عقیده‌اند که با غور و بررسی هرچه بیشتر در فرهنگ و زبان عربی در سده هفتم میلادی می‌توان به درک بهتری از اسلام رسید. در این میان رابرت سرجینت تلاش ویژه ای در کشف تأثیرپذیری اسلام از فرهنگ عربستان جنوبی (یمن) کرده، اما در عمل توجه چندانی به عنصر یهودیت در میان آن مردمان نکرده است. بنگرید به:

Robert Serjeant, Review of *Quranic Studies* in *JRAS* (1978), pp.76-77 .

۳ یکی از بارزترین مشابهات داستان حضرت یوسف و جریان حضور برادر دیگری (بنیامین) در میان کاروانیان کنعان بنگرید به: Wansbrough, *Quranic studies*, p.24-25 ; *Sectarian milieu*, p.134.

و یا در باب ذبح عظیم حضرت ابراهیم (ع) بنگرید به:

Wansbrough, *Sectarian Milieu*, 24.

4 Wansbrough, *Quranic studies*, 12ff & 47.

۵ نظریات ونزبرو و به ویژه این فرضیات چهارگانه تاکنون توسط محققان بسیاری نقد شده و جمع‌آوری و دسته‌بندی این نقدها خود می‌تواند موضوع پژوهشی در خور قرار گیرد. در این میان ویلیام گراهام این نظرات را این چنین نقد کرده است: «در باب فرضیه نخست، باید اذعان داشت که به خوبی می‌توان پیروی ونزبرو از استنتاجات بحث برانگیز و غیرقطعی شناخت در باب

تأثیرات کتاب «مطالعات قرآنی» ونزبرو در غرب به سرعت خود را در دو کتاب «هجریسم» و «جمع و تدوین قرآن» نشان داد.^۱ پاتریشیا کرون^۲ و مایکل کوک بر مبنای مثال‌های متعددی مدعی شدند که «سنت حدیثی اسلام، غیر واقعی، مجعول، غیرمتعارف و سرشار از تضاد و ناهماهنگی است».^۳ آن‌ها این شرایط را در بستره ترکیب اوضاع تاریخی-

فقه اسلامی را مشاهده کرد. حقیقت آن است که در باب خلق و ایجاد تمام بافت فرهنگی-تاریخی مندرج در قرآن و سنت اسلامی از سده دوم هجری/نهم میلادی به بعد، می بایست قائل به نوعی نظریه توطئه باشیم تا استدلال کنیم که حجم بسیاری از منابع عظیم مکتوب در سده سوم هجری /نهم میلادی زاینده سنت مکتوب و شفاهی پیش از آن نیست. فرض دوم که نتیجه منطقی فرض اول است، منابع و متون تاریخی-حدیثی دو سده اول را اساساً زاینده دو سده از تعارضات جدلی و تصرف تدریجی سنت فرهنگی مقدس یهودی در جامعه عربی می‌داند. اما در این میان، مشخص نیست که تحلیل استادانه ونزبرو از سبک قرآن، چگونه منتهی به اثبات نظریه عجیب تألیف و تدوین نهایی قرآن پس از گذشت هشت تا ده نسل شده است. از سوی دیگر تحلیل‌های او از مشابهت میان قرآن و متون یهودی چگونه منجر به این استنتاج افراطی می‌شود که هیچ گونه متن تثبیت یافته و همه پذیری از قرآن، پیش از سال ۲۰۰ ه.ق وجود نداشته است. در باب فرضیه سوم هم درک این مسأله بسیار دشوار است که کنار هم نهادن مشابهت‌های گونه شناختی در منابع اسلامی و یهودی از یک سو، و توجه به اهمیت عراق به عنوان مرکز تلمودی و هم‌قرآنی آن با مراکز اصلی فرق اسلامی، چگونه باید پارادایم یهودی و فراعربی معقولی را اثبات کند که در آن فرق نخستین اسلامی جامعه را ساخته، متن رسمی کتابی آسمانی را تألیف کرده و در آن به تفصیل منشأی عربی را ساخته و بسط داده‌اند؟ در پایان باید اشاره کرد که تکیه فراوان بر سنت یهودی در تبیین صور و کارکردهای قرآن، زمینه‌ای را فراهم کرده که تمام استنتاجات ونزبرو از پیش معین و مقدر شده باشند. که البته این سنت را باید در راستای مطالعات گرونبوم و گایگر دانست که مصرانه در پی اثبات خاستگاهی یهودی برای صور و مفاهیم اسلامی بوده‌اند.^۴ ویلیام گراهام، «ملاحظاتی بر کتاب مطالعات قرآنی»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، در زبان قرآن، تفسیر قرآن، صص ۲۳۲-۲۳۵؛ برای نقدهای دیگری از سوی فرد دونر و گرگور شولر بنگرید به ادامه. شایان ذکرست که در بررسی و نقد آراء ونزبرو، بیش از دیگر پژوهشگران، به ترجمه فارسی مرتضی کریمی‌نیا از این آراء توجه شده‌است.

1 Patricia Crone & Michael Cook, Hajarism: The Making of the Islamic World, Cambridge: Cambridge university press, 1977; John Burton, The Collection of the Quran, Cambridge: Cambridge university press, 1977.

کرون و کوک صراحتاً خود را مرهون رهیافت شکاکانه جان ونزبرو به تاریخ‌مندی سنت اسلامی دانستند (ص ۸) و اقرار کردند که بدون این تأثیرپذیری از رهیافت ونزبرو، نظریه‌ای که در کتاب خود [هجریسم] مطرح کرده اند، به ذهن و ضمیرشان خطور نمی‌کرده است. برتون نیز در مقدمه کتابش خود را مدیون ونزبرو دانسته است. طرّفه آنکه نتیجه این هرسه پیروی صدیق ونزبرو در آثارشان، به نتیجه‌ای کاملاً متضاد از یکدیگر رسیده است. کرون و کوک ساخت کلی سنت حدیثی-تاریخی اسلامی را غیرقابل اتکا و مستند دانسته‌اند، در حالی که برتون تلاش کرده تا اثبات کند که متن قرآن پیش از عهد عثمان، در عصر پیامبر(ص) به عنوان سندی غیرقابل خدشه، تنظیم و تدوین شده است. شخص ونزبرو نیز در نقدش بر هر دوی این کتب، فاصله عمیق ایده‌های منتشره در آنها با عقاید خود را بسط داده است. بنگرید به:

John Wansbrough, Review of Hajarism: : The Making of the Islamic World; BSOAS,(1978) N.41,p.155 ;idem,Review of The Collection of the Quran, BSOAS(1978),N.41, pp.370-371; Fred Donner, Narratives of Islamic origins, p.24.

۲ کرون در آثار اخیرش بردگان بر اسب‌ها(1980) Slaves on Horses و تجارت مکی(1987) Meccan Trade، همانند کتاب هجریسم (Hajarism(1970)) با تضادی در نظر و عمل روبرو ست. او در مقام نظر، ارزش و وثاقت منابع اسلامی را رد کرده ولی در بررسی‌هایش متکی به همان منابع است:

Harald Motzki(1989), [Review of] P.Crone's Meccan Trade, Journal of Semitic Studies,V.34, pp.233-236.

3 Patricia Crone, Slaves on Horses,Cambridge university Press, p.11.

تغییرات شدید مذهبی، سیاسی و اجتماعی که در پی ظهور اسلام پدید آمد- و شیوه‌های انتقال شفاهی تبیین کردند. طبق عقیده کوک، بدان سبب که «هیچ مشخصه عینی قابل اعتمادی برای وثاقت و اعتبار متون ابتدایی اسلامی (سده‌های اول و دوم هجری) وجود ندارد»، برای نیل به حقیقت تاریخی، ناچاراً باید به بهره‌گیری و استعانت از منابع جانبی، مانند کشفیات باستان‌شناسی و متون غیراسلامی روی آورد.^۱ بنابراین سه فرضیه اساسی و مورد وفاق تمام شکاکان عبارتند از: ۱. تدوین قرآن به‌عنوان یک متن رمزآلود و پر از اشارات و کنایات، بسیار متأخرتر از آنچه در متون رسمی^۲ این دین ادعا می‌شود، محقق شده و بنابراین نمی‌توان به این کتاب به‌عنوان منبعی موثق برای شناخت تحولات تاریخ صدر اسلام نگریست. ۲. تمام روایات موجود در بدنه سنت اسلامی را می‌توان در قالب تاریخ‌رستگاری تعریف و توجیه کرد که با گرایش‌های کلامی، سیاسی و فقهی سده‌های بعدی تدوین شده‌است. بنابراین هیچ هسته تاریخی حقیقی و قابل اتکائی در متون اسلامی وجود ندارد. ۳. ذات و طبیعت روایات مربوط به سیره نبوی، به منظور تفسیر اشارات و کنایات قرآن نگاشته شده و از هرگونه چارچوبه مستقل از قرآن که بتوان بدان دست یافت، عاری هستند.^۳

بدون شک این بدینی فراگیر و گسترده، زائیده فکر و نظر محققان دهه‌های پایانی سده بیستم میلادی در غرب نبود. سابقه بدینی به جایگاه و حیاتی قرآن، حدیث و سیره پیامبر در میان مسیحیان به قرون وسطی و پیش از آن می‌رسید و بسیاری از پیروان سه مکتب فوق، از جوهی به همین شکاکیت منتسب بوده‌اند. اما شکاکیت به مثابه رویکرد پژوهشی نسبت به منابع اسلامی در سده نوزده و بیست میلادی، سؤال از اعتبار و وثاقت حدیث بود. از آن‌جا که بررسی مواضع متعدد و ارائه تبارشناسی دقیق از پاسخ‌های متعدد سیره‌پژوهان غربی در باب اعتبار حدیث، بدون تفکیک و شناسایی رویکردهای پژوهشی آن‌ها میسر نبود، به اختصار به تبارشناسی رویکردی میان‌غربیان پرداختیم و پس از این به تفکیک مواضع آن‌ها در قبال بحث اعتبار و وثاقت حدیث خواهیم پرداخت.

1 Michael Cook (1983), Muhammad, Oxford, p.73.

2 Cannonical Texts.

۳ البته این نظریه شکاکان در باب قرآن به هیچ وجه در میان محققان غربی تازگی ندارد و مینگانا در ۱۹۱۶م در مقاله‌ای تحت عنوان «انتقال قرآن» مدعی شده بود که این متن دینی برای نخستین بار در عهد عبدالملک اموی تهیه و تدوین شده است.

Fred Donner, Narratives of Islamic origins, p.24.

۲. سیره پژوهان غربی و مسئله اعتبار حدیث در اسلام

۱.۲. از سده نهم تا دهه ۱۹۸۰م.

اعتبار میراث حدیثی اسلام، به ویژه در باب سیره پیامبر(ص) از دیرباز مورد توجه اسلام‌پژوهان غربی قرار گرفته؛ اما بحث‌های جدی از نیمه سده نوزدهم شکل گرفته است.^۱ در نخستین گام شکاکانی چون کایتانی^۲ و لامنس نظریه گلدتسیهر در سلب اعتبار احادیث فقهی و کلامی را در باب احادیث و روایات تاریخی صدر اسلام نیز بسط دادند. لامنس که هر سه منبع حدیث(در معنای محض آن) تفسیر و سیره را برآمده از مصادری واحد می‌دانست، معتقد بود که سیره نبوی هیچ چیز جز تفسیر اشارات قرآنی نیست که علمای اسلام، در سده‌های بعد در باب زندگی و حیات پیامبر(ص) بر ساخته‌اند: «حقیقت آن است که [برخلاف مدعیات مسلمین] تنها منبع الهام‌بخش در تدوین سیره پیامبر(ص) قرآن است و حدیث که منبعی موازی و مکمل قرآن انگاشته می‌شود، چیزی جز تأویلات مفسران از ایده‌پردازی‌های مندرج در قرآن نیست. اگر از آنچه در قرآن آمده بگذریم، تمام اطلاعات و جزئیات مرتبط با دوره پیش از بعثت پیامبر(ص) در حیطه افسانه و داستان می‌گنجد [...] اما در باب دوره مدینه، قرآن به عنوان روزنگاری قابل اعتماد در باب زندگی خصوصی و عمومی پیامبر گزارش می‌دهد [...] در حقیقت خود قرآن بهترین منبع برای درک ابهامات فراوان، زبان رمزآلود و کنایات بی‌شمار آن است و حدیث نمی‌تواند - یا نمی‌خواهد - که اطلاعات بیشتری در این باب در اختیار ما قرار دهد».^۳

در قبال این رویکرد افراطی، نولدکه و بکر با اتخاذ مواضع معتدل‌تری از همه جوانب احادیث تاریخی بهره بردند. بکر خاطر نشان ساخت که لامنس تنها احادیث تأییدکننده ادعاهایش را نقل کرده و به عنوان یک کشیش مسیحی «از تمام احساسات دینی خود برای فرضیه‌سازی‌های علمی علیه اسلام بهره گرفته است. در چارچوب نظری لامنس، بسیاری از رویدادهای مهم و تأثیرگذار سیره پیامبر و اهل بیت [علیهم السلام] جعلی و بر ساخته انگاشته شده است. در حالی که تک تک جزئیات روابط پیامبر با همسران خویش و اطلاعات جهت‌دار در باب حضرت علی(ع) عین تاریخ

1 Fred Donner(1988), *Narratives of Islamic Origins: The Beginning of the Islamic historical writing*, Princeton, pp.1-31; Joseph Horowitz, "The earliest biographies of the prophet and their Authors" in *The Byzantine and Early Islamic Near east, I, Problems in the literary source material*, Princeton, pp.x-xxxiii.

2 Leon Caetani(1905-7), *Annali dell 'Islam*, Milan, p.18.f.

3 Henri Lammens(1910), "The Koran and Tradition, How the life of Muhammad was Composed", *Recherches de science Religieuse*, n.1, pp. 25-51, Reprinted in *The Quest for the Historical Muhammad*, edited and translated by Ibn Warraq ,NewYork: Prometheus books,(2000), pp.181-182.

و مطابق با واقعیت فرض شده‌اند.^۱

اثرات مواضع کایتانی و لامنس تا نیمهٔ دوم سدهٔ بیستم نیز ادامه داشت. یوزف شاخست در کتاب «درآمدی بر فقه اسلامی»، قابلیت اعتماد به حدیث، به‌عنوان منبعی موثق برای صدر اسلام را زیر سؤال برد.^۲ از دیدگاه او، احادیثی که ادعا می‌شود به پیامبر(ص) منتسب هستند، حاصل پیشرفت‌های کلامی، سیاسی و فقهی سدهٔ دوم هجری بوده و فاقد هرگونه ارزش برای عصر پیامبر(ص) می‌باشند. هرچند این ادعا ناشی از بررسی احادیث فقهی بود، شاخست ادعا داشت که این رأی در باب کل احادیث صدر اسلام حتی مغازی-صائب است. در نگاه شاخست «اسنادات احادیث آینهٔ تمام‌نمای فکر و جامعه دو سدهٔ اول هجری محسوب می‌شوند که به‌آسانی می‌توان به دریافت‌های تاریخی ارزشمندی از آنان دست یافت. روایات تاریخی نیز مجموعه‌ای مهم، برساخته و بازآرایی شده از احادیث بازسازی شده هستند که در سدهٔ دوم هجری با اسنادات مناسبی نگاشته شده‌اند».^۳

دور دوم مباحثات پیرامون اعتبار و وثاقت احادیث صدر اسلام، در دههٔ ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م. شکل گرفت. پیش‌آگهی این مباحثات، تضاد رویکردی بود که میان نوث و سزگین در باب روایات مربوط به دورهٔ خلفای راشدین شکل گرفت. نوث^۴ که پیروئی ناقد برای مکتب روشی ولهاوزن محسوب می‌شد،^۵ پژوهش خود را بر تحلیل احادیث مجزایی از فتوح استوار کرد. او احادیث مورد بررسی را در مسیر طولانی خود از ابتدا تا گونهٔ مذکور در جوامع حدیثی [صحاح سته]،

1 Carl.H. Becker(1913), "Matters of Principle concerning Lammens' sira Studies, *Der Islam*, pp.263-269; Reprinted in *The Quest for the Historical Muhammad*, pp.330-338.

۲ یوزف شاخست (۱۳۸۷)، *درآمدی بر فقه اسلامی*، ترجمهٔ سیدیا سر میردامادی، تهران: گام نو؛ هارالد موتسکی (۱۳۸۶)، *زندگی نامه محمد(ص)*، ترجمهٔ محمدتقی علی اکبری و مرتضی عظیمائی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱؛ شاخست پیش از انتشار این کتاب، امکان کشف هسته تاریخی وقایع صدر اسلام را نفی کرده بود: «ما باید این تصورات بی دلیل را کنار بگذاریم که اساساً هسته‌ای اصیل و موثق از اخبار وجود داشته که به زمان پیامبر(ص) می‌رسد». به نقل از هارالد موتسکی، «حدیث پژوهی در غرب، مقدمه‌ای بر خاستگاه و تطور حدیث»، ترجمهٔ مرتضی کریمی‌نیا، *مجلهٔ علوم حدیث*، س ۱۰، ش ۴، ص ۱۰.

3 Joseph Schacht(1949), "Revaluation of Islamic Traditions", *Journal of Royal Asiatic Society*, pp.143-154.

4 Albrecht Noth(1964), *The Early Arabic Historical Tradition: A source-Critical Study*, Darwin Press, Princeton 1994, *Heiliger Krieg und heiliger Kampf in Islam und Christentum*, Bonn.

۵ طبق آنچه ولهاوزن معتقدست حدیث‌ها را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: احادیثی که توسط راویان مکی ومدنی روایت شده است مانند ابن اسحاق، واقدی. و آثاری که بوسیله راویان عراقی منتقل شده‌اند مانند ابومخنف و سیف‌بن‌عمر. ولهاوزن اولویت را به گروه اول داده است (موضوع پژوهش این اثر) و مطالب منتقل شده توسط گروه دوم را بیشتر افسانه‌ای خوانده است. نوث از سوی دیگر نشان داده است که قضاوت‌ها باید بر مبنای احادیث مجزا، نه مکاتب حدیثی بنا نهاده شود چرا که چنانکه او خاطر نشان ساخته است، هر دوی این مکاتب احادیث مشترکی را ذکر کرده‌اند.

متأثر از یک روند جعل و تحریف دانسته بود.^۱ نتایج تحقیقات نوث توسط سزگین در پژوهش‌هایش دربارهٔ احادیث تاریخی عصر خلفای راشدین نقد شد.^۲ سزگین تلاش‌هایی که به منظور کاستن غلظت و یا تشدید لحن احادیث، در سده‌های بعدی انجام شده را رد نکرد اما معتقد بود که بعد از گذر از دو سدهٔ اول، احادیث در یک نظام متکی بر انتقال وفادارانه، نقل و روایت شده‌اند. این بدان معناست که در نگاه او جامعان متأخر احادیث، به عین عبارات ناقلان توجه ویژه داشتند و امکان تبدیل و جایگزینی عبارات نزد آنان به آسانی وجود نداشته است.^۳

۲.۲. از ۱۹۸۰م. تا اکنون

در حالی که سیره‌پژوهان شکاک در آستانهٔ سدهٔ ۲۱م، به نفی ارزش‌مندی و اعتبار متون اسلامی اعتقاد داشتند، معتقدان به رویکرد نقادانه به حدیث، به دنبال ارائه سازوکاری عملی برای تفکیک هستهٔ تاریخی از حواشی افزودهٔ متکلمین در سده‌های بعدی بودند. پیش از پدید آمدن مباحثات فوق‌الذکر و در واکنش به موضع لامنس و شاخت، ویلیام مونتگمری وات به تلاشی مقدماتی دربارهٔ تأیید صحت تاریخی حوادث اصلی سیرهٔ پیامبر (ص) دست زد.^۴ طبق آراء او یک چارچوب بنیادین در باب سیره وجود دارد که او آن را «مطالب مغازی» می‌نامید. این مطالب مشتمل‌اند بر: فهرست مغازی یا سفرهای جنگی، گروه دشمنان هریک از آن‌ها، نام رهبر، تعداد و گاهی نام شرکت‌کنندگان در هریک از آن‌ها، نتیجهٔ آن‌ها، تاریخ تقریبی، حوادث مرتبط به هر کدام از آن‌ها و در باب موارد مهم، اشاراتی به رویدادها و طرح صف آرابی در میدان جنگ.^۵ این اطلاعات که بر مبنای سیرهٔ ابن‌اسحاق بنا شده و چارچوبهٔ سال‌شمارانه آن را رعایت کرده‌اند، پیش از او توسط کل جامعهٔ مسلمین یا حداقل بخش کثیری از آنان، مجموعه‌سازی و حفظ شده بود و به همین دلیل این مجموعهٔ اطلاعات به صورت کلی

۱ برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

Albrecht Noth, *Quellenkritische Studien zu Themen, Formen und Tendenzen frühislamischer Geschichtsüberlieferung*, Part I, Themen und Formen, Bonn, 1973; pp. 14.f.

2 Ursula Sezgin, [Review of] A.Nothing, *Quellenkritische Studien* in *ZDMG*, V.128(1978), pp.171-176; *idem*, *Abu Miḥnaf, Ein Beitrag zur Historiographie der umayyadischen zeit*, Leiden: Brill, 1971.

3 Ursula Sezgin, *Abu Miḥnaf*... p.90.

4 William Montgomery Watt (1962), "The Materials used by Ibn Ishaq" in *Historians of Middle east*, lewis&Holt (ed.) London, pp.23-24.

5 William Montgomery Watt (October 1980), "The Reliability of Ibn Ishaq's Sources" in *La vie du prophete Mahomet: Colloque de Strasbourg*, Fahd(ed), Paris: Bibliotheque des Centres d'Etudes superieures Specialises, pp.31-43.

پذیرفته شده و قابل اعتماد محسوب می‌شد.^۱ محتمل است که این حکایات (که عموماً نسبت به احادیث، از جزئیات کم‌تری برخوردار بوده‌اند) به صورت جزئی جعل و تحریف شده باشند اما هیچ‌گاه در حدی وسیع، در پژوهش‌های علمی در باب سیره نبوی مورد استفاده و استناد قرار نگرفته‌اند. مهم‌ترین اشکالی که وات به لامنس و بکر از یک‌سوی و کرون و کوک از سوی دیگر وارد می‌کرد، عدم توجه به همین فرق بنیادین بین مطالب مغازی (معتبر و موثق) و احادیث و قصص (مشکوک و مجعول) است.

تلاش دیگری در باب استخراج عناصر تاریخی توسط سله‌ایم انجام شد.^۲ او نظریه قشربندی را بسط داد که طبق آن قابلیت تشخیص سه لایه^۳ در مطالب ابن‌اسحق پدید می‌آید: ۱. رویدادهای تاریخی ۲. مطالب افسانه‌ای و ۳. رقابت‌های فرقه‌ای. نظریه قشربندی سله‌ایم از انتقادات و اشکالات عاری نبود. نخست آن که این نظریه بیش از آن که به روشن‌تر کردن امور کمک کند، گیج‌کننده بود و این‌طور نیست که لایه‌های متون سیره، طبق این ترتیب به‌رومی هم انباشته شده باشند. از آن گذشته، ما تمایلاتی به ورود، نفوذ و جایگزینی (از لایه‌های ۲ و ۳) در گزارش‌های تاریخی (لایه ۱) مشاهده می‌کنیم. پیش از این نولدکه و هارویس به وجود این گرایش‌ها اشاره کرده بودند. همچنین از دیرباز در میان محققین غربی پذیرفته شده بود که تزئین سیره نبوی با معجزات و رویدادهای ماورائی از دوره‌های بسیار متقدم آغاز شد ولی طی چند سده بعدی بسط بیشتری یافت.

بنابراین نظریه قشربندی نه تصویر واضح‌تری ارائه می‌کرد و نه ما را به پاسخ پرسش از وثاقت حدیث نزدیک‌تر می‌نمود. سؤال اصلی پژوهشگران غربی که دهه‌های متمادی در پاسخ آن درمانده بودند این بود که: چه مطالبی به لایه بنیادین تاریخی متعلق است؟^۴ قسطنطین و برخی از شاگردانش، به ویژه لکر^۵ در تلاش‌هایشان برای دستیابی به قدیمی‌ترین لایه احادیث سیره نبوی، بسیار موفق‌تر بودند. آن‌ها تعدادی از گزارش‌ها و احادیث را که در تعارض با تفکرات متعصبانه متأخرتر درباره مسائل حساس کلامی قرار داشت، بررسی و موشکافی کردند. قسطنطین بر آن بود تا

1 William Montgomery Watt, "The materials used by Ibn Ishaq", p.27.

۲ برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

Rudolph Sellheim (1967), "Prophet, Chalif und geschichte: Die Muhammed-Biographie des Ibn Ishaq", *Oriens*, V. 18-19, pp.33-91.

3 Schicht.

4 Patricia Crone, *Slaves...*, p.14.

5 Kister (1962), "A Booth like the booth of Moses...": A study of an early hadith", in *BSOAS*, V.25, pp.150-155, *idem*, "A Bag of Meat: A study of an Early Hadith" in *BSOAS*, V.33 (1970), pp.267-275.

6 Michael Lecker, "Hudhayfa b. al-Yaman and 'Ammar b. Yasir, Jewish Converts to Islam" in *People, Tribes and Society in Arabia around the time of Muhammad*, London: Ashgate Varioum, Article V.

نشان دهد که برخی احادیث که وی به‌عنوان نمونه برگزیده و از لحاظ مضمون و زبان، مورد بحث و بررسی قرار داده‌است، پیشینهٔ کهنی دارند و سوای آن‌که واقعاً بیانگر تعالیم پیامبر(ص) باشند یا نه، به‌روشنی منعکس‌کنندهٔ دیدگاه‌ها و مسائل دهه‌های نخست اسلامی هستند.^۱ این مطالب بسیار قدیمی و بعضاً موثق به‌نظر می‌آیند. با این حال، قسطنطنیه از بررسی احادیث خاص فراتر رفت و به تنظیم نظریه‌ای کلی در باب روش خود پرداخت.^۲

پس از تفکیک مرزبندی‌ها و کشاکش‌های متعدد میان پژوهشگران هر دو جبهه، هنوز سؤال اصلی در باب وثاقت و میزان اعتبار روایات صدر اسلام پابرجا بود. آیا ممکن است با احادیثی که پس نقل از در نسل‌های متعدد به دست آمده‌اند، بدون روش خاصی، همچون منابع رایج و عادی تاریخی مواجه شویم؟ محققان سنت‌گرا همچون وات^۳ و سیرجینت^۴، به قواعد روش‌مندان علم تاریخ پای‌بند بودند و اعتقاد داشتند «از لحاظ روش‌شناسی، یک پژوهش را باید از این فرض مقدماتی آغاز کرد که حدیث، گزارش اصیلی از یک واقعیت است، مگر آن‌که مستنداً عدم صحت آن اثبات شود یا بخشی یا تمام آن، در اثر تمایل به تفکری خاص، بی‌اعتبار شده باشد.» از سوی دیگر کرون و کوک دربارهٔ مبنای قابل‌پذیرش در تحقیقات اسلامی چیز دیگری بود: «در باب مواردی که ما دلیلی مشخصی برای پذیرش آن‌ها نداریم، نفی و رد اقدام بهتری است.»^۵

۳. نحله‌های اخیر: سیره پژوهان شکاک در برابر سنت‌گرایان^۶

۱ محمد کاظم رحمتی (آبان و آذر ۱۳۸۱)، «پژوهش‌های سیره در مطالعات اسلامی با تکیه بر مکتب بیت المقدس»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۷۸.

2 Fred Donner, *Narratives of Islamic Origins: The Beginning of the Islamic historical writing*, n.42, p.18. William Montgomery Watt, "The Reliability of Ibn Ishaq's Sources", p.32.

4 Robert Serjeant (1990), "Meccan Trade and the rise of Islam: Misconceptions and flawed polemics" in *Journal of American Oriental Society*, V. 110, pp.472-486.

5 Patricia Crone & Michael Cook, *Hajarism: The Making of the Islamic World*, p.73.

۶ گرچه هیچ اختلافی میان محققان، نسبت به تعارض و تضاد رویکرد این دو گروه وجود ندارد، هنوز مباحثاتی دربارهٔ نام دقیق هر یک در جریان است. سنت‌گرایان - که خود بیش از تمام القاب به این واژه تمایل دارند - از سوی شکاکان به محققان «خوش‌بین (Sanguine)» ملقب شده‌اند و در سوی دیگر، شکاکان تمایل بیشتری به استفاده از واژه «تجدیدنظرطلب (Revisionists)» برای تعیین خود دارند. بنگرید به:

J. Koren and Y.D. Nevo (1991), "Methodological Approaches to Islamic Studies," *Der Islam* 68, pp.87-107. با حال این محققان دیگری همچون هربرت برگ، به استفاده هم‌زمان دو واژه «خوش‌بین» و «شکاک» تمایل بیشتری دارند. برگ در توضیح پافشاریش بر این دو واژه می‌گوید: «استفاده از واژه‌هایی همچون «تجدیدنظر طلب» یا «سنت‌گرا» بر نتیجهٔ مطالعات این گروه تأکید دارد، در حالی که هم‌سانی دو واژه «خوش‌بین» و «شکاک»، ناظر به روش و رویکرد خاص این محققان در تحقیقات خویش است که البته وجه اصلی تفاوت میان این دو نیز، در همین تفاوت رویکرد پژوهشی خلاصه شده‌است». برگ، هوشمندانۀ تفاوت دیگری را درون گروه خوش‌بینان قائل شده و با استفاده از واژه «تصدیق‌گرا (Ascriptionists)» برای پژوهشگرانی همچون

امروزه، دو دستگی و تقابل میان محققان بر پایه نوع رویکرد و مواجهه‌شان با منابع تاریخ صدر اسلام، کاملاً آشکار و متمایز شده است: شکاکان و سنت‌گرایان. چنان‌که خود این عناوین گویا هستند، این دسته‌بندی کلی بر سر اعتبار و ارزشمندی سنت حدیثی - تاریخی اسلام در تحلیل وقایع و تحولات تاریخ صدر اسلام، سیره نبوی و قرآن است. شکاکان به کلی نافی این ارزشمندی هستند و سنت‌گرایان، هر کدام از وجهی و در مقیاس‌های متعددی قائل به این اعتبار هستند. جان ونزبرو در گذشته و پاتریشیا کرون در حال حاضر سردمدار شکاکان سستی محسوب می‌شوند. این در حالی است که نسل جدید از شکاکان، موسوم به شکاکان نوین نیز در دهه‌های اخیر پدید آمده است. در سوبهٔ مقابل مهم‌ترین سردمداران سنت‌گرایان در گذشته موننگمری وات و امروزه هارالد موتسکی هستند.

۱.۳. شک به اعتبار سنت اسلامی به مثابهٔ روش

شکاکان معتقدند که اغلب منابعی که ما در باب تاریخ صدر اسلام در دست داریم، مشخصاً تحت تأثیر دغدغه‌ها و مسائلی است که نسل‌های متأخرتر مسلمین بدان دچار بوده‌اند. آن‌ها با سیره سستی پیامبر بدان دلیل که همه یا بخش عمده‌ای از آن افسانه است، به کلی مخالف‌اند. جان ونزبرو در سال ۱۹۸۶ مانیفست اصلی این گروه را بدین شرح بیان کرده‌بود: «منابع تاریخی در سدهٔ اول هجری/هفتم میلادی در حجاز، همگی داستانی و تفسیری هستند؛ گزارش‌های حدیثی در باب تاریخ صدر اسلام را باید به مثابهٔ «تاریخ رستگاری» انگاشت؛ بررسی و تفسیر این گزارش‌ها موضوعی است برای نقادی ادبی و نه تاریخ پژوهی».^۱ در حقیقت باید اذعان کرد که پیش از ونزبرو

فواد سزگین و نبیه عبود آن‌ها را از دایرهٔ دیگر خوش بینانی همچون شولر و موتسکی خارج کرده‌است. او به طور مشخص واژه «تصدیق گران» را برای «گروهی از محققان که به امکان بازیابی متون و احادیث سده‌های اول و دوم از طریق متون متأخرتر، اعتقاد دارند» استفاده کرده است. این طور به نظر می‌رسد که اولاً به دلیل تفاوت در اصالت رویکرد (روش) یا نتیجهٔ تحقیقات این محققان، نوع دسته‌بندی‌ها با یکدیگر متفاوت شده و ثانیاً عدم قطعیت در نتیجهٔ این تحقیقات یا به اصطلاح «تاریخی نشدن» این تعارضات، منجر به ناتوانی سیره پژوهان غربی در ارائهٔ یک دسته‌بندی نهایی و مورد وفاق شده است. هربرت برگ که در این مسیر، امید به همسو شدن و اشتراک این دو گروه را به دلیل تفاوت در روش و رویکرد پژوهشی امری بسیار دور از انتظار و غیرممکن می‌داند، قائل به وجود دستهٔ سوم به نام محققان میانه‌رو (Middle Ground Scholars) شده است که به شدت توسط سنت‌گرایان مورد انتقاد قرار گرفت. در باب نظرات برگ بنگرید به:

Herber Berg, "Competing Paradigms in the study of Islamic Origins : Qur'an 15:89-91 and the Value of Isnāds" in *Method and Theory in the study of Islmic Origins*, Herbert Berg(ed.), Leiden :Brill, pp.259-290; *idem*, *The Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim Literature from the Formative Period*, Richmond, Surrey: Curzon(2000); Harald Motzki, "The Question of the Authenticity of Muslim Traditions Reconsidered: A Review Article" in *Method and Theory in the study of Islmic Origins*, pp.211-257

1 John Wansbrough(1978), "Res ipsa loquitur:History and mimesis", Jerusalem: Israel Academy of Sciences and humanities.

نیز جوانب متعددی از نظرات او در میان آراء محققان پیشین وجود داشته، اما او با تسلط بسیار بالا بر متون مقدس تمام ادیان و بهره‌گیری از زبان‌های متعدد، جسورانه به ارائه مجموعه‌ای از نظرات پیشینیان و یافته‌های خود پرداخت. این نظریات جنجالی در دهه‌های پایانی سده بیستم، با پشتوانه رسانه‌های غربی از گسترش و شهرت بسیاری برخوردار شد و اصحاب این رویکرد، با بهره‌گیری از این فرصت تلاش کردند، نظریه خود را به عنوان تنها تفسیر علمی، صحیح و مورد پذیرش جهان غرب از اسلام ارائه کنند.

وزبرو تا پایان عمر خویش (۲۰۰۲م) بر مبنای تصویر مهمی که از پیامبر عربی ارائه می‌کرد، در صحنه حضور داشت و گرچه کرون و کوک در کتاب هجریمس از نفی برخی وجوه تاریخی پیامبر (ص) فراتر نرفتند، اما اهمیت تاریخی پیامبر را تنزل دادند و گزارش‌های کلیدی برآمده از سیره و احادیث را رد کردند.^۱ راه این سه تن را شکاکان نوین مانند بشیر، پیترز، کالدر، کورن و نوو، هاوتینگ، ابن‌وراق، ریون و برگ و شومیکر ادامه داده‌اند.

اعضای مکتب شکاکیت نوین را می‌توان بر مبنای جهت‌گیری‌های خاص اعضایش، به دسته‌های متعددی تقسیم نمود:^۲ در این میان ابن‌وراق و ریون، کار بیشتری جز جمع‌آوری تمام مباحثات پیشین در باب ارزش تاریخی متون اسلامی در زمینه سیره نبوی و حیات پیامبر (و کل دو سده اول هجری) انجام ندادند.^۳ هربرت برگ و نورمن کالدر برخی مباحثات برآمده از مطالعات خود را نیز به مطالب افزوده‌اند، لیکن در اصل، به گفتمان رایج، متأثر از آراء سران مکتب اعتقاد داشته‌اند.^۴ کالدر^۵ بر آن بود تا اصالت و سرمنشأ جغرافیایی برخی از متون اولیه عربی (همچون الموطأ مالک و المصنف عبدالرزاق) را با این توجیه که انتقال مکتوب آن‌ها بسیار دیر آغاز شده، زیرسؤال ببرد. در این میان وجه غالب تمام پژوهش‌های این محققان، دلبستگی بسیار به ملاحظات روشمندان و توجه به روش‌های مطالعاتی آماری ست که نتایج دور از واقعیتی را فراهم آورده‌است. از سوی دیگر یهودا نوو، جودیت کُرِن و اُلِیگ سنت اسلامی را رها

۱ زمانی پیشتر، کرون و کوک در ملامع خود را از نظریه بنیادین کتاب هجریمس، مبرا کردند. بنگرید به:

- [Http://Baltimorechronicle.com/2006/042606Alikhan.shtml](http://Baltimorechronicle.com/2006/042606Alikhan.shtml).
 2 Suliman Bashear(1997), Arabs and Others in Early Islam, Studies in Late Antiquity and Early Islam 8, Princeton: *idem*, Studies in Early Islamic Tradition The Max Schloessinger Memorial Series, Collected Studies in Arabic and Islam 2 Jerusalem, (2004); Gerald R. Hawting(1999), The Idea of Idolatry and the Emergence of Islam: From Polemic to History, Cambridge Studies in Islamic Civilization, Cambridge.
 3 Ibn Warraq(2000b), The Quest for the Historical Muhammad, Amherst, NY; Raven, "Sira" In *EI2*, V.9.p.660
 4 Herbert Berg, The Development of Exegesis in early Islam: The Authenticity of Muslim literature from the formative period, Richmond, Surrey: *idem*, "Competing Paradigms in the study of Islamic Origins: Quran 15:89-91 and the Value of Isnads" in *Method and Theory in the Study of Islamic Origins*, Leiden: Brill, 2003.
 5 Calder(1993).

کرده و آزادانه تصویر افراطی و دلخواه خود از تاریخ اسلام را بر مبنای علوم جانبی سکه‌شناسی، کتیبه‌خوانی و دیگر شواهد بیرونی ترسیم کرده‌اند.^۱ نوو و کورن بر مبنای پژوهش بر کتیبه‌های عربی صحرای نگب (در جنوب فلسطین اشغالی) مدعی شدند که فقدان هیچ عبارت قرآنی خاصی در این کتیبه‌ها، نظریه ونزبرو را در باب جمع‌آوری متن قرآن به شکل موجود در زمانی بسیار متأخرتر از معلومات امروز تأیید می‌کند. در این میان نظرات عجیب دیگری در باب انتساب بخشی از قرآن به دوره پیش از اسلام شبه جزیره عربی نیز مطرح است که توجه اندکی از سوی غربیان را به خود اختصاص داده است.^۲ در میان شکاکان نوین، بی‌اعتبارترین آثار از منظر پژوهشی از آن آلیگ آلمانی است. او در ابتدای اثر خود آزادانه به عدم توانایی‌اش در بهره‌برداری از متون اصلی و دست‌اول موجود (به علت عدم آگاهی از زبان عربی و دیگر زبان‌های مرتبط) اعتراف می‌کند، لیکن مدعی است که ضعف توانایی‌هایش، او را در اجتناب از تن‌سپردن به پیش‌فرض‌های معین پیشینیان یاری کرده و چشمان او را برای انجام یک پژوهش انتقادی گشوده‌است.^۳ او در ادامه مسیر نوو/کورن واقعیت تاریخی وجود پیامبر را نفی کرد و در همین راستا نگارش بدنه اصلی متون اسلامی - اعم از قرآن و حدیث - را به سده دوم هجری/هشتم میلادی و در محلی در شرق ایران یا عراق منتسب دانست. وی همچنین مدعی شد که تقویم (به زعم وی جعلی) هجری - که هیچ شاهد خارجی برای آن وجود ندارد - بر مبنای حمله ظفرمندانه امپراطور بیزانس هراکلیوس به ایرانیان تدوین و آغاز شده است. آلیگ معتقد بود که نام محمد (ص) تنها در کتیبه‌ای در الصخره وجود دارد (محمد رسول الله) و دیگر آثار متقدم (مانند سکه‌ها و آثار باستانی) و دیگر منابع، در واقع صفات مسیح (ع) هستند (محمد به معنای حمد و ستایش شده) و قدیمی‌ترین ذکر از نام محمد (ص) در منابع غیر اسلامی به سال ۶۴۰ م. بازمی‌گردد. آلیگ روشی که به چنین نتایجی ختم شده است را «تاریخی - انتقادی» می‌نامید.

1 Yehuda Nevo & Judith Koren (1991), "Methodological approaches to Islamic Studies", *Der Islam*, V.68, pp.87-107; Ohlig, "Wieso dunkle Anfänge des Islam?" in *Die dunklen Anfänge: Neue Forschungen zur Entstehung und frühen Geschichte des Islam*, Ohlig & puin (ed.), n.pl.

2 Gunter Luling, *Über den Ur-Qur'ān: Ansätze zur Rekonstruktion vorislamischer christlicher Strophenlieder im Qur'ān*, Erlangen, 1974 (A challenge to Islam for reformation: the rediscovery and reliable reconstruction of a comprehensive pre-Islamic Christian hymnal hidden in the Koran under earliest Islamic reinterpretations. New Delhi; (2003); Christoph Luxenberg (2000), *Die syroaramaische Lesart des Koran: Ein Beitrag zur Entschlüsselung der Koransprache*, Berlin, (The Syro-Aramaic Reading of the Koran - A Contribution to the Decoding of the Koran. Berlin: Verlag Hans Schiler. (2007)

3 Ohlig, "Wieso dunkle Anfänge des Islam?", p.12.

اوری روبین در میان شکاکان نوین، مجرای جدیدی از شکاکیت را گشوده که کم و بیش در برابر نقدهای آکادمیک و عالمانه مصون است. او صراحتاً بررسی شواهد و آثار باستانی را رها کرده و مطالعات خود را وقف یافتن تصویر پیامبر در متون اسلامی کرده است. او که در کتابش «چشم بینده» به این مقصود نائل آمده معتقد است که تلاش برای کشف هسته تاریخی، نتیجه و سواس فکری اسلام‌پژوهان در سده نوزدهم نسبت به یافته‌ها و شواهد تاریخی بوده و امری غیرممکن و بی‌حاصل است.^۱

گفتنی است که شکاکان در راستای تلاش برای معرفی رویکردشان به‌عنوان مکتب فراگیر اسلام‌پژوهان غربی تلاش کردند، آلبرشت نوث را نیز عضوی از مکتب خود بنامند؛ اما او این همسویی را شدیداً رد کرد.^۲ پس از نوث دیگر پیروان رویکرد نقادانه به حدیث همچون لارنس کُراد و دیگر شارحان مکتب بیت‌المقدس همچون قسطنطین لکر و لانداتسرن نیز بر این مرزبندی تأکید کردند و خود را از شکاکان نوین مبرا دانستند.^۳

۲.۳. سنت‌گرایی و پایبندی به متن سنت اسلامی

در سویه مقابل با سیره‌پژوهان سنت‌گرا-موتسکی،^۴ مورینی،^۵ لیکر،^۶ ورستیگ،^۷ گورکه و شولر^۸ - حضور دارند که بر مبنای روش‌های متعدد پژوهشی‌شان به گروه‌های متعددی تقسیم می‌شوند. اما پیش از بحث در باب این روش‌ها باید اشاره کرد که وجه مشترک این محققان، تأکید بر چند وجه اساسی در مطالعات سیره نبوی است:

۱. آن‌ها معتقدند که گرچه مجموعه احادیث نبوی در برخی جزئیات اختلافاتی دارند، در متن و ساختار اصلی و حفظ خطوط کلی حوادث با یکدیگر کاملاً مشترک‌اند. بنابراین این اختلافات در نگاه کلی، نمی‌تواند دلیلی بر نفی وثاقت و توجه به اعتبار آن‌ها باشد.

- 1 Uri Rubin(1995), *The eye of the Beholder: The life of Muhammad as Viewed by the Early muslims, A Textual Analysis*, Darwin Press, Princeton, pp.1-3.
- 2 Albercht Noth(1994), *The early Arabic historical tradition: A source-Critical study*, Tranlated by M.Bonner, New Jersey, p. 11.
- 3 Lewis Conrad(1993), "Recovering Lost Texts: some methodological issues"[Review of G.D.Newby: *The Making of the Last Prophet*], *JAOS*, V.113, pp.258-263.
- 4 Harald Motzki(1991), "The Musannaf of 'Abd al-Razzaq al San'ani's a Source of Authentic *Hadith* of the First Century A.H.," *Journal of Near Eastern Studies* 50: pp.1-21.
- 5 Miklos Muranyi, "A Unique Manuscript from Kairouan in the British Library," pp.325-368.
- 6 Michael Lecker, *People, Tribes and Society in Arabia around the time of Muhammad*, London: Ashgate Varioum.
- 7 C.H.M. Versteegh(1993), *Arabic Grammar and Qur"anic Exegesis in Early Islam*, Leiden: Brill.
- 8 Gregor Schoeler(1996), *Charakter und Authentie der muslimischen Überlieferung über das Leben Muhammeds*, Berlin: Walter de Gruyter.

۲. از آنجا که جامعه مسلمان بلافاصله پس از وفات پیامبر(ص) دچار جنگ‌های درونی و شکل‌گیری نخستین فرق و رقابت‌های ایدئولوژیک شده، اختلافات و تأثیر آن‌ها بر ناقلان احادیث و اخبار امری غیرطبیعی نیست و می‌توان با تحلیل صحیح این تمایلات، به حقایق و واقعیات دست یافت.

۳. هسته حقیقی موجود در بطن روایات و سنت اسلامی که در لفافی از داستان‌پردازی و اغراق پنهان شده را می‌توان - برخلاف نظر شکاکانی چون کوک و کرون - از طریق تحلیل عمیق و روش‌مند منابع اسلامی به دست آورد.

۴. تاکنون مطالعات نظام‌مند اندکی در باب سیره‌نوی انجام شده که عموماً از نقد منبع بی‌بهره بود یا با رویکرد خاصی نوشته شده‌اند، بنابراین، هنوز زمینه برای تحقیق و پژوهش عمیق فراهم است.

۵. روش‌های معرفتی مقایسه‌متون سیره و احادیث بسیار اندک‌اند و اخیراً نمونه‌های تازه‌ای از این روش‌ها در باب تحلیل اسناد احادیث مطرح شده که هنوز جای تعمق و بررسی بیشتری دارد.

۶. از آنجا که هنوز فضا و زمینه برای تحقیق بیشتر در باب خود احادیث وجود دارد، سخن گفتن از عدم اطمینان و اعتماد به اعتبار آن‌ها نوعی نتیجه‌گیری انتزاعی به نظر می‌رسد و بیش از آن که به تلاش برای تحقیق و بررسی بیشتر منجر شود، به یک پیش‌داوری منفعلانه نسبت به تاریخ اسلام می‌انجامد.

۷. سیره‌هایی که تاکنون در باب پیامبر(ص) نگاشته شده، همگی منحصر به رشته‌ای از منابع خاص و محدود (همچون واقعی، ابن اسحاق، ابن هشام و ابن سعد) هستند و هنوز منابع متعددی وجود دارند که می‌توان از بررسی روش‌مند و منظم آن‌ها به یافته‌های جدیدی دست یافت.^۱

از این منظر، سنت‌گرایان چهار رویکرد عمده را در تحقیقات خود اعمال کرده‌اند که هر کدام پیروان خاصی دارد و هریک از این رویکردها به نتایج منحصر به فردی منجر شده‌اند. وجه مشترک تمام این روش‌ها، تأکید و تمرکز بر متن سنت اسلامی (اخبار و روایات تاریخ اسلام و سیره‌نوی) و تلاش برای حذف زوائد و نیل به متن منقح تاریخ و حدیث است.^۲

۱ هارالد موتسکی (۱۳۸۶)، همان، ص ۱۴ و نیز:

Andreas Görke (2011), "Prospects and limits in the study of historical Muhammad" in *The Transmission and Dynamics of textual sources of Islam: Essays in honour of Harald Motzki*, Nicolet beokhoff, van der Vroot, Versteegh and Wagemakers (ed.) Leiden: Brill, pp.137-151

۲ برای بررسی روش‌های حدیث‌پژوهی شکاکان بنگرید به: نصرت نیل‌ساز (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «تاریخ‌گذاری احادیث بر اساس روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن در مطالعات خاورشناسان»، در پژوهش‌های قرآن و حدیث، س ۴۴، ش ۱، صص ۱۲۷-۱۳۱.

۱.۲.۳. رویکرد شکاکانه: این رویکرد که امروزه در میان سنت‌گرایان متروک مانده‌است، به احادیث و روایاتی توجه دارد که در بدنه سیره نبوی و تاریخ اسلام، با قرائت رایج و ارتدکس اسلامی تفاوت دارند. در این رویکرد با تأسی به از نگاه شکاکان، به آنچه در قرائت رایج از سیره نبوی آمده توجهی نمی‌شود و محققان به دنبال روایات یکتا هستند. گرچه این رویکرد امروز فراموش شده است اما هنوز بارقه‌هایی از آن در میان پژوهشگران هر دو جبهه سنت‌گرا و شکاک دیده می‌شود.^۱

۲.۲.۳. تحلیل اسناد+متن:^۲ در این رویکرد که برای اولین بار توسط هارالد موتسکی مطرح شد،^۳ به دو ویژگی عمده منابع حدیثی اسلام یعنی اسناد آن‌ها (سلسله سند راویان احادیث) و متن حدیث توجه می‌شود.^۴ در این شیوه که با هدف تعیین متن اصلی و حذف زوائد سده‌های بعدی اجرا می‌شود، به احادیثی توجه می‌شود که گونه‌های متفاوت و متعددی از آن‌ها در منابع اسلامی موجود است. بدین ترتیب این احادیث یا در متن، یا در اسناد یا در هر دو زمینه، تفاوت‌های ظاهری و اشتراک‌مبنایی دارند و محقق با تحلیل اسناد+متن به شناخت مشترکات و درک نقاط انحراف می‌پردازد. اصلی‌ترین نتیجه این روش، اثبات این حقیقت است که نقل حدیث در عالم واقع محقق شده‌است و در اصل پاسخی است به سیره پژوهان شکاک که متون حدیثی را بساخته سده‌های متأخر می‌انگارند. گرچه این روش در تمام احادیث عملیاتی نیست، اما می‌توان از طریق آن به دو سؤال مهم و قابل‌اعتنا در باب احادیث و سیره نبوی پاسخ داد: اولاً چه کسی مسئول ایجاد تغییرات در متن احادیث بوده است؟ و ثانیاً عناصر حقیقی و اصیل احادیث از کجا با زوائد و اضافات مختلط شده‌اند؟ به دیگر سخن یکی از مهم‌ترین کاربردهای روش تحلیل اسناد+متن این است که با این روش می‌توان شکل و صورت‌های مختلف یک متن، سیر تحول و تغییراتی را که متن در طول زمان داشته، همچنین زمانی که متن تثبیت نهایی شده را شناسایی کرد.^۵

با بسط و گسترش این روش در میان سیره پژوهان سنت‌گرا، انتقادهایی نیز به این شیوه وارد آمده‌است: ۱. نتیجه تحقیق با این روش، تا حد بسیاری به تعیین سلسله سند اصلی احادیث مرتبط

1 Henri Lammens(1914), *Le berceau de l'Islam: L'Arabie occidentale a la veille de l'hegire*, Roma,; id., *Fāṭima et les filles de Mahomet: Notes critiques pour l'étude de la sīra*, Roma: cf. Carl Heinrich Becker(1913), "Prinzipielle zu Lammens' Sīrastudien", *Der Islam*, vol. 4, no. 2; Theodor Noldeke(1914), "Die Traditionen über das Leben Muhammads", *Der Islam*, vol. 5, no. 1.

2 Isnad cum Matn.

3 Harald Motzki(2000), "Der Prophet und die Schuldner: Eine ḥadīṭ-Untersuchung auf dem Prüfungsstand", *Der Islam*, vol. 77, no. 1.

۴ درباب جریان‌شناسی مواضع محققان غربی درباب اسناد بنگرید به هارالد موتسکی، «حدیث پژوهی در غرب...»، صص ۱۸-۲۰.

۵ نصرت نیل ساز، «تاریخ‌گذاری احادیث بر اساس روش ترکیبی تحلیل اسناد+متن...»، صص ۱۴۸.

است. به دیگر سخن در باب بسیاری از احادیث حساس و متواتر، چند سلسله سند در موارد بسیاری با هم مشترک‌اند و انتخاب سلسله سند اصلی از میان آن‌ها امری خطیر و مهم است و نتایج بسیار متفاوتی از این تفاوت در انتخاب حاصل می‌شود. ۲. میزان احادیثی که گونه‌های متعدد با سلسله سندهای متفاوت داشته باشند که امکان اعمال این شیوه در باب آن‌ها وجود داشته باشد بسیار اندک است. ۳. احادیثی که از این طریق و با سختی بسیار، امکان بازسازی دارند، نهایتاً به تاریخ ۴۰ تا ۶۰ سال پس از وفات پیامبر بازمی‌گردند، و بسیاری از آن‌ها از زبان شاهدان عینی نقل نشده‌است. ۴. این شیوه با توجه به صعوبت و زمان‌بر بودن، بعضاً به نتایجی بسیار جزئی و غیرقابل توجه ختم می‌شود. با این حال، ضمن بهره‌گیری وسیع محققان غربی از این شیوه در باب سیره نبوی،^۱ در مطالعاتی حول محور احادیث فقهی^۲ و فتوح صدر اسلام^۳ نیز از تحلیل اسناد+متن استفاده شده است.

۳.۲.۳. تحلیل مفهومی بدنه متون:^۴ این روش که شباهت بسیاری با رویکرد اسناد+متن دارد، به بررسی تمام احادیث ختم‌شونده به یکی از منابع اصلی صدور حدیث مانند عرو بن زبیر، أبان بن عثمان، شرح‌بیل بن سعد، عبدالله بن ابی‌بکر و سعید بن مسیب می‌پردازد. از آن روی که در این روش، در باب حذف اضافات ناقلان متأخر از متن احادیث، از رویکرد اسناد+متن استفاده می‌شود، ترکیب این دو روش به ارائه تصویر واضح‌تری از اصل احادیث و ناقلان اولیه آن منجر می‌گردد. از این روش تاکنون در مطالعات متعددی بهره گرفته شده و گئورگ شورلر و آندریاس گورکه از اصلی‌ترین مروّجان آن هستند.^۵ البته برای این تحلیل نیز محدودیت‌های مشخصی وجود دارد. همچون تحلیل

1 Gregor Schoeler (1996), *Charakter und Authentie der muslimischen Überlieferung über das Leben Mohammeds*, Berlin: Andreas Gorke, "The Historical tradition about al-Hudaybiya: A study of 'Urwa b. al-Zubayr's account", in: Motzki (ed.), *Biography*; Harald Motzki, "The murder of Ibn Abi l-Huqayq: On the origin and reliability of some maghāzī-reports", in: id. (ed.), *Biography*.

2 Harald Motzki (1998), "The Prophet and the cat: On dating Mālik's Muwaṭṭā' and legal traditions", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, vol. 22.

3 Jens Scheiner (2010), *Die Eroberung von Damaskus: Quellenkritische Untersuchung zur Historiographie in klassisch-islamischer Zeit*, Leiden.

4 Analysis of Comprehensive Corpora of Texts.

۵ این روش در چهار پژوهش مجزا، توسط این دو تن به کار گرفته شده، تا بدنه احادیث مربوط به عرو بن زبیر را احیاء کنند که به زعم خود تا حد زیادی در این امر موفق بوده‌اند:

Andreas Görke, "The Historical Tradition about al-Hudaybiya: a Study of Urwa b. al-Zubayr's Account", in: H. Motzki (Ed.), *The Biography of Muhammad*, pp.240–275; idem, "History, Eschatology, and the Common Link", in: H. Berg (Ed.), *Method and Theory in the Study of Islamic Origins* (Leiden: 2003), 179–208; Gregor Schoeler, *Charakter und Authentie der muslimischen Überlieferung über das Leben Mohammeds* (Berlin, New York, 1996); idem, "Musa b. Uqba's Maghāzī", in: H. Motzki (Ed.), *The Biography of Muhammad*, pp.67–97; Andreas Gorke & Gregor Schoeler (2005), "Reconstructing the earliest sīra texts: The Hīḡra in the corpus of 'Urwa b. al-Zubayr", *Der Islam*, vol. 82, no. 2.

اسناد+متن، نمونه‌های اندک از منابع حدیثی مرتبط به سیره نبوی قابلیت اجرای این روش را دارند و در بهترین حالت، احادیثی که ۴۰ تا ۶۰ سال از وفات پیامبر فاصله دارند، احیا می‌شوند.

۴.۲.۳. تحلیل زبان‌شناسی: این رویکرد تحلیلی که با توجه به تازگی آن، تاکنون در پژوهش خاصی مورد استفاده قرار نگرفته، همچون رویکرد جان ونزبرو به تحلیل ظاهری و ادبی روایات بازمی‌گردد. در این روش توجه به پیچیدگی‌های زبانی متون و تلاش برای درک تازه‌ای از مفهوم آن‌ها با استفاده از متون غریب الحدیث، وجهه همت پژوهشگران قرار می‌گیرد. متون غریب الحدیث که سابقه طولانی در متون اسلامی دارند، حاوی توضیحات کاملی در باب ریشه، معنا و تفسیر کلمات مورد استفاده در احادیث و تعیین معنای حقیقی آن‌ها در تاریخ اسلام هستند. از سوی دیگر با توجه به این روش، می‌توان تشخیص داد که کدام عبارات و کلمات، افزوده شده‌های بعدی و کدامیک، اصیل و حقیقی هستند. گرچه در باب بسیاری از متون و احادیث سیره نبوی، این روش کارآیی ندارد، لیکن در باب متونی همچون «میثاق مدینه» به نتایج ارزشمند و مفیدی ختم شده است.^۱

سنت‌گرایان بسیار امیدوارند که با شناسایی بیشتر احادیث در سنوات آینده و پیشرفت‌های تکنولوژی که امکان جستجوی عمیق‌تر و دقیق‌تری را در این باب فراهم کرده‌است، بتوانند به دریافت‌های مستند و مهمی دست یابند. آن‌ها معتقدند که با شناسایی احادیث مرتبط به ناقلان اولیه، می‌توان نشان داد که گرایش‌های کلامی، سیاسی و فقهی اندکی بر این متون وارد آمده و می‌توان با سعی بسیار به گونه‌ای بسیار شبیه اصل این احادیث دست یافت. از سوی دیگر از طریق تحلیل زبان‌شناسی متون، می‌توان متون قدیمی‌تری را شناسایی کرد که در سده اول هجری تدوین شده و با همان قالب و بدنه اصیل به دست ما رسیده‌اند. در مجموع این محققان از طریق ابزارهایی که هنوز در حال نقد و بررسی‌ست، به دنبال یافتن گوشه‌های اصیل و مغفول از سنت اسلامی هستند و چنان که خود معتقدند در این مسیر، راهی بس طولانی را در پیش دارند.^۲

سیره‌پژوهان سنت‌گرا علاوه بر طراحی و به‌کارگیری روش‌های متعدد در تحلیل متون اسلامی، هیچ‌گاه از پاسخ به اشکالات و مسائل شکاکان باز نماندند. عرصه تقابل این دو رویکرد در مطالعات اسلام پژوهی غرب در دهه‌های اخیر بسیار گرم و پرهیاهو پیگیری شده و یافته‌های جدید باستان‌شناسی در فلسطین اشغالی، بسیاری از مدعیات ونزبرو و کرون را باطل

1 Michael Lecker(2004), The "Constitution of Medina": Muhammad's first legal document, Princeton.

2 Andreas Görke, "Prospects and limits in the study of historical Muhammad", p.149.

کرده‌است. مورخان پیشرو تاریخ صدر اسلام همچون فرد دونه و کارل رابینسون در آثار اخیر خود، ضربات قطعی و انتقادی را بر پیکره شکاکیت نوین وارد کردند، اما در این میان گئورگ شولر، با توجه به آخرین یافته‌های تاریخی-باستان‌شناسی، پاسخ‌های درخوری به استدلال‌های تاریخی شکاکان ارائه کرده که ما در این جا چکیده‌ای از این مطالب را ارائه خواهیم کرد. دونه در نقد شکاکان می‌گوید:^۱

اولاً نظریه خاص شکاکان که کل سنت اسلامی را متأثر از تمایلات خاص ناقلان متأخر آن در سده‌های سوم و چهارم هجری می‌دانند، به کلی غیر منطقی است. چرا که با توجه به تاریخ اسلام، نخستین تعارض‌های فرقه‌ای- کلامی در سال ۳۵ هجری و شروع نخستین جنگ‌های داخلی مسلمین آغاز شده بود. به‌دیگر سخن، هیچ زمانی از تاریخ اسلام نیست که عاری از این رویارویی‌های فرقه‌ای- کلامی بوده‌باشد. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که شکاکان به جای مواجهه با واقعیت تاریخ اسلام، به دنبال دوره‌ای آرمانی می‌گردند که هرگز در تاریخ اسلام وجود نداشته است.

ثانیاً وجه مشترک تمام نظرات شکاکان در طول تاریخ اسلام‌پژوهی در غرب این است که همگی از شناسایی یک یا چند گروه سیاسی- کلامی خاص و معین که این روند جعل و تحریف را به آن‌ها نسبت دهند ناتوان بوده‌اند. بنابراین چگونه می‌توان تا این اندازه بر این تحریف پافشاری کرد، اما از تبیین و تشخیص هویت فکری یا تمایلات سیاسی این جاعلان عاجز بود؟ ثالثاً با توجه به تأکید شکاکان به تحریف همه جانبه سنت اسلامی توسط گروهی بی‌نام و نشان، سؤال این جاست که کدام منبع و قدرت غیرقابل مشاهده‌ای در حیطه گسترده تمدن اسلامی در سده‌های سوم و چهارم هجری- از هند تا اندلس- توانایی اعمال این تغییرات همه جانبه و فراگیر را داشته‌است؟

شولر نیز در مقدمه اثر مهمش درباب منابع سیره نبوی، کوشیده با استفاده از یافته‌های اخیر کتیبه‌شناسی، پاپیروس پژوهی و سکه شناسی به ادعاهای شکاکان نوین پاسخ دهد:^۲

۱. در کشفیات علی بن ابراهیم بن جبان در سال ۱۹۹۹م. قدیمی‌ترین کتیبه اسلامی تاریخ‌دار،^۳ دیوار نوشته‌های قاع المعتدل (شمال غرب عربستان) شناخته شد. در این کتیبه‌ها بعد از بسم الله این طور آمده‌است: انا زیر کتبت زمان توفی عمر اربع و عشرين. چنان که پیداست نگارنده از تقویم

1 Fred Donner, Narratives of Islamic origins, pp.25-31.

2 Gregor Shoeler(2011), The Biography of Muhammad:Nature and Authenticity,Translated by Uwe Vagelpohi, edited by James E.Montgomery, London: Routledge: pp.14-15.

3 Al-Gabbān, Ali b.Ibrahim, The Inscription of Zuhayr, the oldest Islamic Inscription(24.AH/644.AD), the rise of the Arabic script and the nature of the early Islamic state, Translated by Hoyland, Arabian Archeology and epigraphy, 19: pp.137-210.

هجری برای نشان دادن تاریخ استفاده کرده و بسیار جالب است که تنها چند سال (۱۳-۲۳هـ/۶۳۴-۶۴۴م.) پس از رسمی شدن این تقویم این اتفاق افتاده است. نگارنده کتیبه، تاریخ مرگ خلیفه دوم را نیز کاملاً دقیق ذکر کرده است. تاکنون محققان گمان می کردند که هیچ سند و مدرک خارجی از صحابه پیامبر وجود ندارد و معاوی بن اُبی سفیان نخستین خلیفه‌ای انگاشته می شد که وجود تاریخی اش با شواهد متعدد کتیبه‌نگاری و اوراق پاپیروس، تأیید و تصدیق می شود.^۱

۲. دو پاپیروس که قدیمی ترین آثار به جای مانده با تاریخ گذاری هجری هستند، در سال ۲۲هـ/۶۴۳م. نگاشته شده‌اند.^۲

۳. قدیمی ترین شهادت به حقانیت پیامبر (ص) بر دو سکه نقره عربی-ساسانی از سال‌های ۶۶ و ۶۷هـ به دست آمده است و گونه مختصری از اقرار به ایمان به پیامبر است (بسم الله محمد رسول الله).^۳ سکه‌ای با نام محمد (غیر از پیامبر) به عنوان نَسَب و کتیبه‌ای^۴ با نام عبدالرحمن بن محمد اموی (ابن اشعث) با تاریخ سال ۱۰هـ قیافت شده است. هر دو شخصیت ابن اشعث و پدرش محمد (م. ۴۱هـ/۶۶۱م) جایگاه تاریخی مهمی داشته‌اند و در منابع تاریخی اسلامی بسیار سرشناس هستند.^۵ این حقیقت، فرضیه اُلَیگ را که نخستین نشان از نام محمد را در الصخره دانسته بود و آن را لقبی برای حضرت عیسی (ع) خوانده بود، رد می کند. تاریخ نخستین سند غیر اسلامی که نام پیامبر در آن ذکر شده، از این نیز قدیمی تر است: یک سالشمار مسیحی-سربانی که توسط توماس پرسیتور در حدود سال ۶۴۰م. نگاشته شده (بنابر نظر هولیلند) و به جنگ میان رومیان و اعراب محمد (مسلمان) اشاره کرده است.^۶

۴. کتیبه‌ای با محتویات مشخصاً اسلامی (مشمول بر عبارات قرآنی) به تاریخی پیش از آن که انگاشته می شد بازمی گردد (۳۱هـ ق.).

۵. مجموعه نسخ بسیار قدیمی قرآن،^۷ اخیراً به عنوان سند و مدرکی تاریخی و بسیار مهم توسط دروשה شناخته شده است. بر مبنای شیوه نگارش و املاهای بسیار قدیمی آن (مثلاً قال را به صورت

۱ این شواهد و مدارک جدید کورن و نوو را بدان سوی هدایت کرد که ادعا کنند: هیچ یک از آن‌ها (منظور منابع بومی پیش از سده هشتم میلادی) نام خلیفه‌ای را پیش از معاویه ذکر نکرده‌اند که یک شخصیت تاریخی باشد.

Yehuda Nevo & Judith Koren, "Methodological approaches to Islamic Studies...", p.100.

2 Robert Hoyland (1997), *Seeing islam as others saw it*, Princeton, n.1, p.668.

3 Ibid, n.21, p.694.

4 Album and Goodwin (2002), *Sylloge of Islamic Coins in the Ashmolean, V.1, The Pre-Reform coinage of early Islamic period*, London: Ashmolean Museum Oxford, pp.29-30; Plate 26, no.371.

5 E12, III, 1979:715 (s.v. Ibn al-Ash'ath) and E12 VII, 1993, 400 (s.v. Muhammad b. al-Ash'ath).

6 Robert Hoyland, *Seeing islam as others saw it*, p.120.

7 Codex Parisino-Petropolitanus.

قل نگاشته است)، دروشه این مجموعه را به ربع سوم سدهٔ اول هجری منتسب کرده است.^۱ همانند پاره‌های مصاحف قدیمی صنعا، این متن نیز از نسخهٔ عثمان رونویسی شده است. این شواهد قاطع و آشکار فرضیات ونزبرو در باب آن که قرآنی که امروزه ما می‌شناسیم از سال ۱۸۳ هـ/ق ۸۰۰ م به این شکل تدوین شده را از حیز انتفاع خارج می‌کند.

به هرروی، کشاکش‌های روشی و رویکردی در مطالعات سیره‌پژوهی در غرب هنوز ادامه دارد. گورکه و شولر در سال ۲۰۰۵ م. با تلفیق روش تحلیل مفهومی بدنهٔ متون و اسناد-متن به دریافت‌های تازه‌ای در باب احیاء احادیث عرو بن‌زبیر دست یافتند. اگرچه نتایج این مطالعات، توسط منتقدان بسیار خوش‌بینانه و پرهیاهو قلمداد شد،^۲ اما گام مهمی در نیل به احادیث حلقهٔ نخست محدثین مدینه محسوب می‌شود.^۳ در سوبیهٔ مقابل کتاب هجریم و دیگر کتب پاتریشیا کرون، به‌عنوان چراغ راه، پیروان بسیاری در میان محققان یافته است. ویژگی اصلی سیره‌پژوهان شکاک-همانند جان ونزبرو- تلاش برای اعمال روش‌های نوین مطالعات ادیان به ویژه مسیحیت در باب اسلام است و در حالی که سنت‌گرایان بر تفاوت‌های بنیادین تاریخی میان اسلام و مسیحیت تأکید می‌کنند، هنوز هم تلاش‌های مهمی برای ایراد شک نسبت به منابع اسلامی، از طریق توجه به منابع غیراسلامی انجام می‌شود.^۴

نتیجه‌گیری

اسلام‌پژوهی در غرب، هم‌زمان با پیشرفت‌های سریع صنعتی، سیاسی و اقتصادی آن در دو سدهٔ اخیر، با تحولات و فراز و نشیب‌های متعددی مواجه بوده است. مکاتب فکری و روشی متعددی

- 1 Déroche(2009), *La transmission écrite du Coran dans les debuts de l'islam: Le Codex Parisiano-Petropolitanus*, Leiden: Brill.
- 2 Stephen J. Shoemaker, In Search of Urwa's *sira* Some Methodological Issues in the Quest for "Authenticity" in the Life of Muhammad, *Der Islam*, (2011), pp.257-344.
- 3 Andreas Gorke & Gregor Schoeler(2005), "Reconstructing the earliest *sira* texts: The *Hiġra* in the corpus of 'Urwa b. al-Zubayr", *Der Islam*, vol. 82, no. 2.
- 4 Carlos Segovia, "John Wansbrough and the problem of Islamic origins in recent scholarship", pp.xix-xxviii; idem, "Thematic and Structural Affinities between 1 Enoch and the Qur'an: a Contribution to the Study of the Judaeo-Christian Apocalyptic Setting of the Early Islamic Faith", pp.231-268, Herbert Berg, "The Needle in the Haystack: Islamic Origins and the Nature of the Early Sources", pp.271-298, all in *The Coming of the Comforter. When, Where and Whom? Studies on the Rise of Islam and Various other Topics in Memory of John Wansbrough*, Carlos Segovia and Basil Lourie (ed.); Supplement Series to *Scrinium*. *Revue de patrologie, d'hagiographie critiques et d'histoire ecclésiastique*: *Orientalia Judaica Christiana* Christian Orient and its Jewish heritage, V.3; Piscataway, NJ: Gorgias Press, 2012; Firestone, R. "The Qur'an and the Bible: Some Modern Studies of Their Relationship." In Reeves, J. C., ed. *Bible and Qur'an: Essays in Scriptural Intertextuality*, 1-22; Kropp, M., ed. *Results of Contemporary Research on the Qur'an: The Question of the Historio-Critical Text of the Qur'an*. Beirut, 2007; Reynolds, G. S(2010), *The Qur'an and Its Biblical Subtext*. London.

ظهور کرده اند و هریک از نقطه نظر خاص خود به پژوهش پرداخته‌اند؛ اما در پی تمام این تحولات می‌توان به دو گروه عمده در میان این محققان معتقد بود. گروهی به اعتبار و ارزش‌مندی متون درونی اسلام معتقدند و گروه دیگری که کلاً این ارزش‌مندی را نفی می‌کنند. هر دو گروه نیز با توجه به سابقه طولانی این رویارویی، به دو سطح سنتی و نوین تقسیم می‌شوند. در گروه محققانی که به سنت اسلامی خوش بین هستند و ما آن‌ها را در این پژوهش سنت‌گرا نامیده‌ایم، وات، سزگین و عبود در سطح سنتی جای می‌گیرند که معتقد بودند علی‌رغم صحت این مطلب که هیچ متن مکتوبی در دو سده اول هجری وجود نداشته، می‌توان اطمینان داشت که حجم وسیعی از اطلاعات این دو سده به متون مکتوب سده‌های سوم و چهارم هجری منتقل شده است. از سوی دیگر سنت‌گرایان نوین، به بررسی عمیق و روش‌مند احادیث پرداخته‌اند. آن‌ها تمام گونه‌های احادیث مشابه را جمع‌آوری کرده و با تحقیق و آزمون در متن آن‌ها - با استفاده از روش‌های متعددی که به آن‌ها اشاره شد - تلاش بی‌وقفه‌ای را در بازسازی گونه‌های قدیمی و اصیل متون احادیث^۱ بذل نموده‌اند.

در جهت مقابل، شکاکان به سنت اسلامی معتقدند که وجود تاریخی حجاز سده اول هجری/هفتم میلادی و توصیف‌های موجود در آن، به کلی بر ساخته ذهن اعراب سده‌های بعدی و محققان شرق‌شناس قرون وسطی است. ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم بفهمیم که در واقع چه رخ داده و هر آنچه در اختیار داریم محصول فکر اعراب مسلمان سده‌های بعدی است. در میان شکاکان لامنس، گلدتسیهر و شاخت که با تأکید بر تاریخچه تدوین احادیث و فقه اسلامی ارزش و اعتبار احادیث و اسناد آن‌را به شدت تنزل دادند، سطح سنتی شکاکیت را شکل دادند. اما در سده حاضر کسانی چون ونزبرو، کرون و کوک با توجه به پشتوانه پژوهشی مطالعات بین‌الادیانی، به ویژه مسیحیت و یهودیت، به نفی کلی قرآن، احادیث و تاریخ اسلام پرداختند و منفعلانه اعتقاد دارند که «ما نمی‌دانیم و احتمالاً هیچ‌گاه نخواهیم دانست که واقعاً در سده‌های اولیه چه رخ داده است. بلکه با جهد فراوان می‌توانیم دریابیم که اعراب سده‌های بعدی، می‌خواستند ما چه چیز را حقیقت بینگاریم».^۲

هدف این مقاله در گام نخست، ارائه گستره مهم و وسیعی از منابع مرتبط با این مباحثات و

1 Urtext.

2 Andrew Rippin(1985), "Literary Analysis of *Qur'an*, *tafsir*, and *sira*: the Methodologies of John Wansbrough," in *Approaches to Islam in Religious Studies*, edited by Richard C. Martin (Tucson: University of Arizona Press), p.157.

در گام دوم اشاره‌ای به زمینه قابل نقد این مطالب در میان غریبان بود. اگرچه ما در جای‌جای این نوشتار، به فراخور مجال، به نقد و بررسی آراء مطرح‌شده پرداختیم اما شکی نیست که نقد دقیق و علمی هریک این دعاوی فرصتی مجزا را طلب می‌کند.

منابع و مأخذ

- رحمتی، محمد کاظم (آبان و آذر ۱۳۸۱)، «پژوهش‌های سیره در مطالعات اسلامی با تکیه بر مکتب بیت‌المقدس»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۷۸.
- ریبین، اندرو (۱۳۹۱)، «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش‌شناسی جان ونزبرو»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، در زبان قرآن، تفسیر قرآن، تهران: انتشارات هرمس.
- گراهام، ویلیام (۱۳۹۱)، «ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، در زبان قرآن، تفسیر قرآن، تهران: انتشارات هرمس، صص ۲۳۲-۲۳۵.
- شاخت، یوزف (۱۳۸۷)، در آمدی بر فقه اسلامی، ترجمه سید یاسر میردامادی، تهران: نشر گام نو.
- نیلسن، نصرت (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «تاریخ‌گذاری احادیث بر اساس روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن در مطالعات خاورشناسان»، در پژوهش‌های قرآن و حدیث، س ۴۴، ش ۱، صص ۱۲۷-۱۳۱.
- مهجوی راد، محمدعلی (۱۳۸۵)، «تاریخ‌گذاری تفسیر منسوب به ابن عباس» در تحقیقات علوم قرآن و حدیث.
- زرین کلاه، الهام (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره گونه‌شناسی و سیر تاریخی تطور تفاسیر کهن با تکیه بر تفسیر مجاهد»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، س ۴۵، ش ۱، صص ۱۸۹-۲۱۰.
- موتسکی، هارالد (۱۳۸۶)، زندگانی نام‌محمد (ص)، ترجمه محمد تقی علی اکبری و مرتضی عظیمیانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- (۱۳۸۴)، «حدیث‌پژوهی در غرب، مقدمه‌ای بر خاستگاه و سیر تطور حدیث»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، س ۱۰، ش ۴ و ۳.
- Becker, Carl.H (1913), 'Prinzipielles zu Lammens' Sirastudien', *Der Islam*, 4: 263; repr. As 'Grundsätzliches zur Leben- Muhammed-Forschung' in Becker(1924-32): I, 520; English Trans. As 'Matters and fundamental importance for research into the life of Muhammad' in Ibn Warraq(2000) (Ed. And Trans) *the Quest for the Historical Muhammad*, Amherst, NY: pp.330-336.
- Berg, Herbert(2000), *the Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim Literature from the Formative Period*, Richmond, and Surrey: Curzon.
- (2003), 'Competing paradigms in the study of Islamic Origins: Quran 15:89-91 and

- the Value of *Isnads*' in Berg, *Method and Theory in the Study of Islamic Origins*, Leiden pp. 259-290.
- Conrad, Lewis. I(1993), 'Recovering lost texts: Some methodological issues' [Review of G.D. Newby: *The Marking of the prophet*], *Journal of the American Oriental Society*, 113: 258-63; repr. In Ibn Warraq (Ed. And Trans) (2000) *the Quest for the Historical Muhammad*, Amherst, NY: 476-85.
 - Cook, Michael (1983), *Muhammad*, Oxford.
 - Crone, Patricia. & Cook, Michael(1977) *Hajarism: The Making of Islamic World*, Cambridge.
 - ----- (1980), *Slaves on Horses: The Evolution of Islamic Polity*, Cambridge.
 - Donner, Fred.M. (1998), *Narratives of Islamic Origins: The Beginnings of Islamic Historical Writing*, Princeton, NJ.
 - Ghabban (= al- Gabban) Ali ibn Ibrahim (2008), 'The Inscription of Zuhayr, the oldest Islamic Inscription (24 AH/ 644 AD). The rise of the Arabic script and the nature of the early Islamic state', Trans. With concluding remarks, by R.hoyland, *Arabian Archaeology and Epigraphy*, 19: 210-37.
 - Görke, Andreas(2000), 'the historical tradition about al-Hudaybiya: A study of 'Urwa b. al-Zubayr's account' in Motzki, H (ed.) (2002) *The Biography of Muhammad: the Issues of the Sources*, Leiden: 240-75).
 - -----(2003b), 'Eschatology, history and common link: A study in methodology', in Berg, H (2003) 'Competing paradigms in the study of Islamic Origins: Quran 15:89-91 and the Value of *Isnads*' in Berg, *Method and Theory in the Study of Islamic Origins*, Leiden; 179-208).
 - -----And Schoeler, G.(2005), 'reconstructing the earliest *sira* texts: The Higra in the corpus of 'Urwa b.al-Zubayr', *Der Islam*, 82: 209.
 - Goldziher, Ignaz(1890), 'Ueber die Entwickelung des Hadith' in *Muhammedanische Studien*, II, I-274, Halle [trans. C. M. Barber and S.M. Stern as ' On the development of the Hadith, in *Muslim Studies*, II, London, 1971, 17-251].
 - Horovitz, Joseph(1914), 'Zur Muhammadlegende', *Der Islam*, 5: pp.41-53.
 - ----- (1927), 'The earliest biographies of the Prophet and their Authors, parts I-IV', *Islamic Culture*, 1:535-59, 2:22-50, 164-82, 495-526.
 - Ibn Warraq (2000a), 'Studies on Muhammad and the rise of Islam: A critical survey' in Ibn Warraq (2000), *the Quest for the Historical Muhammad*, Amherst, NY: 15-88.
 - -----(Ed. And Trans) (2000b), *the Quest for the Historical Muhammad*, Amherst, NY.
 - Kister, M. J. (1962), "A booth like the booth of Moses..." A Study of an early Hadith, *BSOAS*, 25: 150-5; repr in Kister (1980), *Studies in Jahiliyya and Early Islam*, London: as article VIII.
 - ----- (1970a), "A Bag of Meat": A Study of an early hadith'. *BSOAS*, 33:267-75; repr, in Kister (1980) *Studies in Jahiliyya and Early Islam*, London as article VI.
 - Lammens, Henri (1910), 'Qoran et tradition: Comment fut compose la vie de Mahomet', *Recherches des Sciences Religieuses*, 1:27-51; English trans. As "Koran and Tradition:

- How the Life of Muhammad was Composed', in Ibn Warraq (2000) *the Quest for the Historical Muhammad*, Amherst, NY: 169-87.
- Lecker, Michael (1993), 'Hudhayfa b. al-Yaman and 'Ammar b. Yasir, Jewish converts to Islam' *Quaderni ni Studi Arabi*, 11: 149-62; repr in Lecker (1998) *Jews and Arabs in pre- and early Islamic Arabia*, Aldershot; as article V.
 - ---- (1998), *Jews and Arabs in pre- and early Islamic Arabia*, Aldershot.
 - ----(2005), 'On the preservation of the letters of the prophet Muhammad', in M. Lecker, *People, Tribes and Society in Arabia around the Time of Muhammad*, London.
 - Motzki, Harold(1991), 'The *Musannaf* of Abd al-Razzaq al-San'ani as a source of authentic *Ahadith* of the first Century A.H', *Journal of Near Eastern Studies*, 50:1-21
 - ---- (ed.) (2002), *the Biography of Muhammad: The Issues of the Sources*, Leiden.
 - ----(2003), 'the question of the authenticity of Muslim traditions reconsidered: A review article', [review of Berg (2000) *The Development of Exegesis in Early Islam: the Authenticity of Muslim Literature from the Formative Period*, Richmond, Surrey], in Berg (2003) *Method and Theory in the Study of Islamic Origins*, Leiden: 211-57.
 - Nevo, Yehuda. D & Koren, Judith(1991), 'Methodological approaches to Islamic Studies', *Der Islam*, 68: 87-107; repr. In Ibn Warraq (2000b), (Ed. And Trans) *the Quest for the Historical Muhammad*, Amherst, NY: 420-43.
 - Noth, Albrecht (1994), *The Early Arabic Historical Tradition a Source-Critical Study*, trans. M. Bonner, Princeton, NJ (a revised edition of Noth (1973) *Quellenkritische Studien zu Themen, Formen und Tendenzen frühislamischer Geschichtsüberlieferung*, Part I, *Themen und Formen*, Bonn, in collaboration with L.I.Conrad.
 - Rippin, Andrew (1985), "Literary Analysis of *Qur'an*, *tafsir*, and *sira*: the Methodologies of John Wansbrough," in *Approaches to Islam in Religious Studies*, edited by Richard C. Martin; Tucson: University of Arizona Press, p.157.
 - Rubin, Uri(1995), *the eye of the Beholder: The Life of Muhammad as viewed by the early Muslims*, Princeton, NJ.
 - Schacht, J. (1949), 'A revaluation of Islamic traditions', *Journal of the Royal Asiatic Society*, pp.143-154; repr, in Ibn Warraq (2000), (Ed. And Trans) *the Quest for the Historical Muhammad*, Amherst, NY, pp.358-367.
 - Serjeant, Robert. B (1990), 'Meccan trade and the rise of Islam: Misconceptions and flawed polemics', *JAOS*, 110: 472-86.
 - Shoeler, Gregor(2011), *The Biography of Muhammad: Nature and Authenticity*, Translated by Uwe Vagelpohi, edited by James E.Montgomery, London: Routledge
 - Wansbrough, John.(1977), *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, ed. A. Rippin, Amherst, NY. 2004.
 - ----(1978), *The Sectarian Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History*, Oxford; repr. As *The Sectarian Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History*, ed. G. Hawting, Amherst, NY. 2006.
 - Watt, William. Montgomery (1953), *Muhammad at Mecca*, Oxford.
 - ---- (1956), *Muhammad at Medina*, Oxford.

- ----- (1962), 'The materials used by Ibn Ishaq, in B. Lewis and P.M. Holt (eds), *Historians of the Middle East*, London: pp. 23-34.
- ----- (1983), 'The reliability of Ibn Ishaq's sources', in Fahd , pp.31-43.

